



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

انترناسیونال ۴۶۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



www.m-hekmat.com منصور حکمت

جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۹۱، ۷ سپتامبر ۲۰۱۲ - ۱۶ صفحه

اسرائیل و احتمال جنگ

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی
در مورد تهدیدات جنگی اخیر دولت اسرائیل

ادامه صفحه ۲

گرامی باد

یاد جان باختگان کشتار تابستان ۶۷

ادامه صفحه ۳

صبح شنبه ۱۸ شهریور روز تجمع اعتراضی معلمان در تهران و در سراسر کشور

ادامه صفحه ۷

مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

درباره تشکیل کمیته آذربایجان حزب

ادامه صفحه ۸

بازتاب هفته

آخرین رویدادها در مورد معدنچیان اعتصابی
در آفریقای جنوبی

فاضل نادری

سوریه در هفته ای که گذشت!

محمد شکوهی

وقتی فاشیستها گزارش کارگری می دهند

۵۰۰ کارگر مجتمع پتروشیمی اصفهان

در خطر بیکاری

بهروز مهرآبادی

صفحات ۶-۴

صفحات دیگر

معلمان علیه فقر و گرانی

شهلا دانشفر

شکستی دیگر، افتضاحی بیشتر

بهروز مهرآبادی

کارگران پتروشیمی ماهشهر سرانجام

خواست خود را به کرسی نشانند

و شرکت های پیمانکاری را برچیدند

صبح شنبه مقابل ادارات آموزش و پرورش

در همه شهرها

آیا ایران سوریه میشود؟



مصطفی صابر

"سوریه ای کردن" انقلاب و مبارزه
مردم علیه جمهوری اسلامی از
سوی نیروهای سیاه و ارتجاعی
را، از پیش افشاء کرد و به
شکست کشاند. از همه مهمتر
برای پیروزی مردم ایران و
انقلابشان علیه جمهوری اسلامی
لازم است روحیه و نگرشی که
پشت این سوال است را بیرون
کشید و نقد کرد.

سوال فوق بر مشاهداتی از
شبهات های اوضاع ایران و
سوریه مبتنی است. از جمله:
اول - رژیم اسلامی ایران
بهمان اندازه رژیم سوریه وحشی و
قسی القلب است و برای بقاء
خویش از هیچ جنایتی فروگذار
نخواهد کرد. (این رژیمی است که
از سوزندان مردم در سینما رکس،
اسید پاشی بر روی زنان، بمباران
شهرها نظیر حمله به سنندج،
اعدام های دو دقیقه ای نوع
خلخال، ترور جامعه به سبک

نسل کشی ۳۰ خرداد که هر روز
لیست اعدام صدها نفر را اعلام
میکردند، قتل عام زندانیان
سیاسی سال ۶۷، برپا کردن چوبه
های دار در وسط شهر، سنگسار
و غیره تا به گلوله بستن مردم در
خیابان، کشتار دانشجویان در
کوی دانشگاه و شکنجه و تجاوز
و "کهریزی کردن" را در پرونده
خود دارد.) همه کس میدانند که

جنایات وحشتناک اسد علیه مردم
در سوریه، رنج و آوارگی صدها
هزار نفر از مردم و همچنین فعال
شدن جریان ارتجاعی و ضد
انقلابی بر متن انقلاب مردم
سوریه برای سرنگونی اسد، این
سوال را برای برخی بوجود آورده
است که آیا انقلاب مردم ایران
علیه جمهوری اسلامی سرنوشتی
شبهه وضعیت سوریه نخواهد
یافت؟

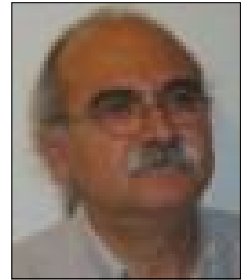
واضح است که شرایط ایران
و سوریه متفاوت است. از هرچه
بگذریم در یک رودخانه نمی توان
دوبار شنا کرد. اما این سوال
حاوی نوع خاصی از نگرش به
دنیا است و متضمن قضاوت و
موضع معینی در قبال انقلابات
کنونی بطور کلی و اوضاع سوریه
و ایران بطور اخص است. در
نتیجه باید به این سوال پرداخت.
این اجازه میدهد اوضاع سیاسی
در ایران را از زوایای خاصی بهتر
تشریح کرد. همینطور امکان
میدهد تا هرگونه تلاش برای

ادامه صفحه ۱۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اسرائیل و احتمال جنگ

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی در مورد تهدیدات جنگی اخیر دولت اسرائیل



در چند روز گذشته بعضی از رسانه ها از جمله روزنامه گاردین احتمال حمله نظامی دولت اسرائیل به ایران را مطرح ساخته اند. روزنامه های اسرائیلی هم درباره زیاد شدن این احتمال به بحث پرداخته اند. از سوی دیگر جمهوری اسلامی و رسانه های وابسته به آن نیز به این تبلیغات پیوسته اند و جنگ با اسرائیل یکی از مباحث اصلی آن ها است. برای پاسخ دادن به سوالاتی که پیرامون تبلیغات جنگی مطرح است، مصاحبه حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران را با گلشن حیدری از برنامه سازان تلویزیون کانال جدید در این شماره انترناسیونال می خوانید.

گلشن حیدری: یک بار دیگر تبلیغات جنگی دولت اسرائیل علیه جمهوری اسلامی شدت گرفته است. می گویند برای باز داشتن جمهوری اسلامی از دست یابی به سلاح هسته ای مذاکره و تحریم های اقتصادی چاره ساز نیست و باید به تاسیسات اتمی رژیم اسلامی حمله نظامی کرد. این تهدیدات چقدر جدی است؟

حمید تقوایی: به نظر من این تهدیدات اساسا دلایل سیاسی دارد و یک اقدام سیاسی است. دولت اسرائیل در نقطه مقابل جمهوری اسلامی به این نوع تبلیغات نیازمند است. همانطور که جمهوری اسلامی هر چند گاه یکبار اعلام میکند اسرائیل را باید به دریا ریخت و حول این جنجال به راه میاندازد دولت

اسرائیل هم هر از چندی اعلام میکند باید به جمهوری اسلامی حمله نظامی کرد و هر دو اهداف سیاسی معینی را از این نوع تبلیغات و موضعگیریها دنبال میکنند. تا آنجا که به دولت اسرائیل مربوط میشود این دولت اولاً با مسائل داخلی حادی دست به گریبان است و احتیاج به جلب توجه ها به یک مساله خارجی دارد و ثانياً همیشه سعی کرده است موجودیت خودش را بعنوان نماینده غرب و سیاستهای آمریکا در منطقه تثبیت کند. قبل از شروع انقلابات اخیر، در دوره مقابله و جنگ میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی با اسلام سیاسی، اسرائیل نقش نماینده میلیتاریسم آمریکا در منطقه را برای خود قائل بود و میخواست بعنوان باصطلاح سر نیزه ارتش آمریکا در منطقه پر آشوب خاورمیانه برسمیت شناخته شود. جنگ دهسال قبل اسرائیل با حزب الله لبنان و کلا حملات نظامی که هر از چند گاهی دولت اسرائیل به آن دست میزند، بخصوص در این دوره بیست ساله اخیر، همیشه تحت عنوان دفاع از دموکراسی و کمپ غرب در مقابله با تروریسم اسلامی و غیره مطرح و توجیه شده است. در شرایط حاضر هم سوژه پروژه هسته ای جمهوری اسلامی محمل و بهانه مناسبی است برای اینکه دولت اسرائیل بر این طبل بکوبد و بعنوان نماینده میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی در منطقه عرض اندام کند. عامل دیگر تحولات منطقه است، انقلاب مصر و مراکش و انقلاب لیبی و تحولاتی که سوریه از سر میگذراند همه اینها موقعیت منحصر بفرد اسرائیل بعنوان نماینده قدر قدرت غرب در منطقه را بزیر سؤال میبرد.

جنبه دیگر همانطور که اشاره کردم مسائل داخلی دولت اسرائیل است. همانطور که میدانید بحران اقتصادی گریبان دولت اسرائیل را هم گرفته است و ناراضیهای زیادی از یک در صدیهای حاکم در اسرائیل وجود دارد و دولت اسرائیل با کوبیدن بر طبل جنگ تلاش دارد اذهان عمومی را از این مسائل منحرف کند.

تهدیدات جنگی اخیر اسرائیل در جهت این نوع اهداف سیاسی است. به نظر من این تهدیدات بیش از اینکه از لحاظ اجرائی و بعنوان یک اقدام نظامی مهم باشد، از نقطه نظر براه انداختن گفتمان و جنجال و فضای جنگی است که برای دولت اسرائیل مطلوبیت سیاسی دارد.

گلشن حیدری: دولت های فرانسه و آلمان به اسرائیل هشدار داده اند که حمله به جمهوری اسلامی میتواند برای اسرائیل خطرناک باشد. دیگر دول غربی از جمله دولت اوباما هم مخالف چنین حمله ای هستند. آیا اسرائیل می خواهد به تنهایی حمله کند؟

حمید تقوایی: به نظر من مساله فقط خواستن و یا نخواستن دولت اسرائیل نیست بلکه مساله بر سر امکان و قدرت نظامی این دولت است. در تمام جنگهایی که تاکنون اسرائیل در منطقه داشته است همیشه آمریکا از نظر نظامی به کمکش شتافته است. دولت اسرائیل، علاوه بر نیاز به حمایت سیاسی آمریکا، در جنگهایش همیشه از نظر تسلیحاتی و لجستیکی نیز به آمریکا اتکا داشته است. در رابطه با حمله به جمهوری اسلامی هم دقیقاً همینطور است. از اینرو مستقل از خواست و تمایل دولت اسرائیل، این دولت بدون کمک عملی آمریکا توانائی عملیات نظامی علیه

جمهوری اسلامی را نخواهد داشت. اما مشکل اسرائیل اینست که فعلاً دولت آمریکا و اروپای واحد حمله نظامی را در دستور ندارد. گرچه همیشه میگویند این گزینه روی میز است و آنرا بعنوان یک چماق و ابزار تهدید بکار میبرند اما عملاً در شرایط فعلی این طرح را دنبال نمیکنند و لذا بسیار بعید است که دولت اسرائیل علیرغم این خط غرب دست به اقدام مستقلاً بزند و سر خود کاری بکند. به نظر من این واقعیت هم بیشتر نشان میدهد که تهدیدات جنگی بعنوان یک خط تبلیغی و پروپاگاندا نظامی برای اسرائیل مطلوبیت دارد و نه یک نقشه عملی برای دست سدن به یک حمله نظامی مستقل.

گلشن حیدری: بنظر می رسد کاندید ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه در آمریکا خواهان حمله نظامی به ایران است. اگر جمهوریخواهان پیروز شوند چنین خطری شدت می گیرد؟

حمید تقوایی: جواب من به این سؤال منفی است. به نظر من سیاست جنگی دولت آمریکا نه تنها در قبال جمهوری اسلامی بلکه کلاً در رابطه با نقش ارتش و میلیتاریسم در سیاست خارجی آمریکا و لشکر کشی نظامی از نوع حمله به عراق و افغانستان متعلق به دوره ای بود که کلاً سپری شده است. این مهم نیست که رئیس جمهوری آمریکا چه کسی باشد و یا در تبلیغات انتخاباتیشان چه علیه یکدیگر بگویند. در هر حال آن دوره گذشته است. منظوم دوره ای است که سیاستهای میلیتاریستی نئوکنسرواتیستها در آمریکا دست بالا را داشت، اروپا را بدنبال خودش میکشید؛ همانطور که در حمله به عراق در دوره بوش پدر و

پسر و در حمله به افغانستان شاهد بودیم. این تعرض معینی از جانب دولت آمریکا بود برای اینکه بعد از فروپاشی دیوار برلین و در دنیای بعد از جنگ سرد، موقعیت خود را بعنوان تنها ابر قدرت دنیا تثبیت کند و برسمیت شناخته شود. لشکرکشی و به رخ کشیدن قدرت نظامی ابزار تثبیت چنین نقش و جایگاهی برای طبقه حاکمه آمریکا بود. کلاً خط بوش - پدر و پسر - بخصوص بعد از یازده سپتامبر بر این مبنی قرار داشت. این دوره، یعنی دوره جنگ تروریستها و مقابله میلیتاریسم آمریکائی با تروریسم اسلامی، اکنون تماماً بسر رسیده است. هم جنبش اسلام سیاسی تضعیف و حاشیه ای شده است و هم سیاستهای میلیتاریستی دولت آمریکا تاثیر و کاربردش را از دست داده است. کما اینکه دیدیم در حمله به لیبی آمریکا با اصطلاح در صندلی عقب نشست و بیشتر سعی کرد خود اروپا جلو بیفتد. در مورد سوریه هم می بینیم که هنوز دست به اقدام نظامی نزده اند و بخصوص در این مورد با مخالفت شدید روسیه و چین روبرو هستند.

در مورد ایران هم مساله همین است. بنابر این برای دولت آمریکا مستقل از اینکه رئیس جمهور و حزب حاکم که باشد از لحاظ سیاسی و عملی دیگر دوره لشکرکشیهای نظامی سر خود به سر رسیده است. نفس اینکه آمریکا و متحدینش به تحریمهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی روی آورده اند و همه اعضای شورای امنیت حتی چین و روسیه هم، هر چند بدرجاتی، با تحریمها موافقت نشاندهنده اینست که

گرامی باد یاد جان باختگان کشتار تابستان ۶۷

عدالت برای بازماندگان اعدام های دهه شصت، محاکمه آمران و عاملان این قتل عام و روشننگری در مورد ابعاد این جنایات است! بیست و چهار سال قبل زندانهای گوهردشت و اوین در تهران صحنه يك جنایت سازمان یافته و مقدس، صحنه يك هولوکاست اسلامی، به دار کشیده شدن هزاران نفر زن و مرد و پیر و جوان بودند. صفهای طولانی اعدامیها و قتل عام دسته جمعی که هفته ها ادامه داشت و پاسدارانی که با ماسکی بر صورت، اجساد اعدام شدگان و گاه زخمی هایی که هنوز زنده بودند را دسته جمعی در گورهای بی نام و نشان دفن میکردند، هنوز در خاطرات بازمانده های این جنایت زنده است. این صحنه های جنایت و سببیت مشتکی جانی حاکم بر ایران بود که به دستور رهبر جلالشان دست به یکی از بزرگترین قتل عام های سیاسی زدند. زندانیان سیاسی از هر گرایش و سازمان و از هر سن و در هر موقعیتی، کسانی که بعضا دوره زندانشان سپری شده و منتظر آزاد شدن بودند، این بار باید به چند سوال کمیسیون مرگ حکومت اسلامی پاسخ میدادند. آیا به خدا اعتقاد داری، آیا حاضری در تلویزیون علیه خود شهادت دهی، آیا حاضری تقاضای عفو کنی و ... اکثرا در دادگاههای چند دقیقه ای به مرگ محکوم میشدند و همان جا اعدام میشدند. این چنین بود که هزاران نفر را کشتند و پرونده سیاه قتل عام زندانیان در اوایل دهه شصت را تکمیل کردند. در این جنایت همه دستگاه حکومتی، همه سران و دست اندرکاران حکومت، از

نخست وزیر و کابینه اش تا حکام شرع و دادستانها و شکنجه گران و مسئولین زندانها، از سران و سازندگان سپاه و وزارت اطلاعات تا نمایندگان مجلس اسلامی و خیل اوباش و اراذل حکومت و کسانی که بعدا توسط رسانه های دست راستی و کثیفی مانند بی بی سی ژورنالیست نام گرفتند، در این قتل عام شریک بودند. خمینی، مرتجع جلا و جنایتکار، در راس این حرکت بود و کل این جماعت دنبالش سینه میزدند. با هم تصمیم گرفتند و با هم اجرا کردند. نازنین ترین و پرشورترین و آزادیخواه ترین انسانها را معصومانه و به اسم محارب با خدا بقتل رساندند تا سرکار بمانند. این بعنوان جنایت بزرگی علیه مردم ایران و علیه بشریت در سینه تاریخ ثبت گردید. اگر عدالتی هست، تشکیل يك دادگاه رسیدگی به این جنایات

و روشن کردن همه اجزا و جوانب این نسل کشی اسلامی است. خانواده های این اعدامیها، مادران و پدرانی که عزیزانشان را ربودند و حتی جسدشان را تحویل ندادند، فرزندان این اعدام شدگان، همسران و عزیزان اینها و هر انسان شریفی حق دارد با صدای بلند اعلام کند نه می بخشیم و نه فراموش میکنیم. سران حکومت چه آنها که امروز در قدرت اند و چه آنهايي که مغضوب حکومتند در این جنایت شریک بودند و امروز در این مورد سکوت کرده اند. منافع مشترک خامنه ای و گنجی و سازگارا و خاتمی و رفسنجانی و موسوی و ... ایجاب میکند که این جنایت هولناک به فراموشی سپرده شود. اما کدام قتل عام در تاریخ فراموش شده که این دومی باشد. دست اندرکاران حکومت و خیل

آخوندها و مکلا و معمم هایی که بر دریایی از خون حکومت کردند و چایبند، باید در محضر مردم به دادگاه کشیده شوند تا ابعاد نا روشن این "جنایت مقدس" را برای مردم دنیا روشن کنند. اینها در يك دست قرآن و بر زبان "الله اکبر" داشتند و در دست دیگر طناب دار و اسلحه. دست به يك قتل عام فجیع زدند تا حکومت کثیف اسلامی شان را نگه دارند. سالروز اعدامهای وحشیانه ۶۷ یکبار دیگر فرصتی است که ضمن ابراز همدردی عمیق با بازماندگان و خانواده های این عزیزان و کل دهها هزار انسان شریفی که در طول ۳۳ سال حکومت منحوس اسلامی اعدام شدند، قول دهیم که این حکومت جنایت اسلامی را به همت انقلاب مردم سرنگون خواهیم کرد و دیر یا زود این جانیان در يك دادگاه علنی

و عادلانه محاکمه خواهند شد. درود به مادران و پدرانی که با ادامه مبارزه علیه این حکومت وحشی ایستادند و هیچگاه در مقابل اینها سر خم نکردند. درود به فرزندان و همسران جانباختگان که دریایی از خشم و نفرت را نمایندگی کرده و خواهان پیگیری پرونده این قتل عام و محاکمه سران حکومت و قاتلین عزیزانشان هستند.

حزب کمونیست کارگری در سالگرد اعدامهای تابستان ۶۷ همه مردم شریف و آزادیخواه را به گسترش مبارزه برای بزیر کشیدن حکومت ننگین اسلامی و محاکمه اوباش و اراذل حکومت اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ شهریور ۱۳۹۱
۵ سپتامبر ۲۰۱۲



نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

بازتاب هفته

آخرین رویدادها در مورد معدنچیان اعتصابی در آفریقای جنوبی



فاضل نادری

مردم آنکشور و مردم جهان روشن نشده است، درآستانه چنین تحقیقاتی اعلام شد که دادستان به استناد قانون بازمانده از دوران آپارتاید نژادی، تقاضای محاکمه ۲۷۰ نفر کارگردستگیر شده را به اتهام مسببین قتل همکاران خودشان، کرده است. "زیرا آنها بودند که پلیس را تحریک و وادار کرده اند بخاطر دفاع از خودشان و نیز برای برقراری اصول ایمنی اجتماعی دست به اسلحه برده و در نتیجه کارگران کشته شوند."

پرواضح است که اعلام وسیع این خبرآگاهانه بود که نه تنها قتل کارگران را بگردن خود همکارانشان بیاندازند، بلکه پلیس قاتل و جنایتکارحافظ سرمایه را از اتهام تبرئه کنند. از سوی دیگر دست در بین کارگرانی که خواستار ادامه اعتراض هستند، ایجاد وحشت کرده و دست پلیس را برای انجام جنایات بیشتر باز گذارند. چنین اتهام و قبحخانه و شنیعی خشم عمومی را برانگیخت و موجب اعتراضات وسیعی در آفریقای جنوبی و در سایر کشورهای جهان شد. مردم کثیری حتی بهمراه برخی نهادهای حقوقی و قضائی درمقابل دادستانی تجمع کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، شدند. حتی یکی از عناصر سرشناس دولتی که در میان تظاهرکنندگان حضورداشت، اظهارداشته است که ادعای دادستانی جداً مسخره است، پلیس کارگران را میکشد و ادعا میکند که خود کارگران، همکارانشان را

ادامه صفحه ۵

سوریه در هفته ای که گذشت!



محمد شگوهی

جنگ و درگیریهای گسترده مخالفان بانبروهای رژیم اسد در سراسر سوریه با شدت ادامه دارد. بر اساس گزارشات منتشر شده در ماه اوت بیش از ۵۴۴۰ نفر در این جنگ ها کشته شده اند. از این تعداد نزدیک به ۴۱۰۰ نفر غیر نظامی بوده اند. هفته گذشته نیز یونسف اعلام کرد در طول یک هفته قبل بیش از ۱۶۰۰ نفر در درگیریها کشته شده اند. رژیم اسد همچنان به بمبارانهای گسترده شهرهای حلب، ادلب، حمص، بانباس، دیرالزور را ادامه میدهد. بنابر گزارشات تلویزیونی دولتی سوریه در هفته جاری هواپیماهای جنگی رژیم بیش از ۱۷۸ ماموریت بمباران را به پیش برده اند. در کنار بمبارانهای وحشیانه، سیاست محاصره شهرهای بزرگ، بویژه حلب، حمص و درعا ادامه داشته و نیروهای رژیم با سلاح های سنگین و توپخانه ۲۴ ساعته این شهرها را گلوله باران می کنند. هواپیماهای ارتش اسد روز یکشنبه هفته گذشته بیش از ۱۲ ناوایی در شهر حلب را با مردمی که در صفوف تهیه نان ایستاده بودند، بمباران کرده و دهها نفر را کشته و زخمی کردند. ادامه جنگ و بمبارانهای وحشیانه در طول دو ماه گذشته نزدیک به یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر را وادار به ترک خانه و کاشانه و پناه بردن به ترکیه، اردن و لبنان کرده است. وضعیت امداد رسانی اسفناک بوده

و تقریباً همه چیز نایاب شده است. در واکنش به حملات رژیم اسد به مردم و مخالفان، دولتهای فرسنه و آلمان اعلام کرده اند که در صدد کمک رسانی نظامی به مخالفان و تقویت مقاومت و ایستادگی مخالفان در برابر حملات رژیم اسد می باشند. بنا بر اخبار منتشر شده کشتی جنگی اطلاعاتی آلمان در سواحل دریای مدیترانه مستقر شده و تحرکات نیروهای نظامی رژیم را زیر نظر گرفته و گزارش این تحرکات را در اختیار نیروهای مخالفان رژیم اسد میگذارد.

در عرصه دیپلماتیک این هفته نیز اخبار جدیدی در مورد سوریه مخابره شد. اولین خبر موضوع اجلاس دولتهای غیر متعهد و تقلاهای جمهوری اسلامی بود. اواخر هفته گذشته که این اجلاس در تهران برگزار گردید، جمهوری اسلامی بیشترین تلاش ها و تقلاها را برای متقاعد کردن دولت های شرکت کننده در این کنفرانس را در حمایت از رژیم اسد به کار گرفت، که با شکست مفتضحانه ای روبرو گردید. بر خلاف ارزیابی های رژیم، کشورهای شرکت کننده نه فقط وارد زمین بازی سیاستهای جمهوری اسلامی نشدند، بلکه محمد مرسى که سردهسته مخالفان کشورهای شرکت کننده در اجلاس بود، برعلیه رژیم اسد و حامیانش سخنرانی کرد و از کشورهای شرکت کننده درخواست کرد فشارهایشان را بررژیم دیکتاتوری اسد، افزایش بدهند. بعد از این سخنرانی مرسى نمایندگان فیلیپین، اندونزی، آفریقای جنوبی، لیبی نیز بر علیه رژیم اسد صحبت کردند. بدین ترتیب تقلاها و تلاش های جمهوری اسلامی برای کشاندن موضوع حمایت از رژیم اسد به اجلاس غیر متعهد ها شکست خورد.

اخضر الابراهیمی نماینده ویژه سازمان ملل در سوریه گفت: "که تلاش های دیپلماتیک برای پایان دادن به بحران سوریه تقریباً محال است و تلاش های فعلی کافی نیست." این اعتراف به شکست تلاش های وی و سازمان ملل در موضوع "بحران سوریه" نشان می دهد که تلاش های ابراهیمی هم مثل کوفی عنان فایده ای نخواهد داشت. دولت روسیه همچنان بر حمایت خودش از رژیم اسد تاکید نمود. روز پنجشنبه ۶ سپتامبر پوتین در يك گفتگوی تلویزیونی کشورهای غربی را متهم کرد که با دخالت نظامی و کمک به مخالفان اسد، در تلاش هستند رژیم اسد را ساقط نمایند. وی يك بار دیگر بر حمایت از رژیم اسد تاکید نمود.

از سوی دیگر "جمع و جور کردن اپوزیسیون سوریه" زیر يك چتر واحد با تلاش های دولتهای آلمان، فرانسه و سوئد در جریان می باشد. هفته گذشته دو نشست یکی در برلین و دیگری در استکهلم برگزار گردید که به گفته سخنگویان این دولت ها "موفقت آمیز" بوده است. در همین رابطه وزیر خارجه آلمان اعلام کرده است که تلاش های این کشور برای "اتحاد اپوزیسیون" ادامه داشته و دو نشست دیگر در برلین برگزار شده است. به گفته سخنگوی وزارت خارجه فرانسه کشورهای اروپایی تلاش های گسترده ای را در دستور خود گذاشته اند تا موضوع به بحث دخالت نظامی در سوریه ختم نشود. براساس اخبار قرار است تا هفته آینده "دولت در تبعید سوریه" سرو سامان داده شود تا به محض سرنگونی رژیم اسد، این دولت اداره امور سوریه را بدست بگیرد. در واکنش به تحرکات دیپلماتیک کشورهای غربی منابع اپوزیسیون رژیم اسد

ادامه صفحه ۱۴

۵۰۰ کارگر مجتمع پتروشیمی اصفهان در خطر بیکاری

نمی خورد، وضعیت بیش از ۵۰۰ کارگر این کارخانه و خانواده های آنها است. این کارگران در معرض بیکاری هستند و از هر گونه کمک و امکانات مالی محرومند. فقر مضاعف در انتظار این کارگران و خانواده های آنها است. سود های سرسام آور حاصل شده از زحمت کارگران به جیب سرمایه داران رفته و آنها نه تنها در مدت کار خود کمترین سهمی از دسترنج خود نبرده اند، اکنون باید هر ساعت نگران بیکاری و مصایب آن باشند.*

پایان رسید و بطور کامل در اختیار بخش خصوصی قرار دارد. در گزارشات مختلفی که در رسانه های جمهوری اسلامی منتشر شده است. نمی توان پاسخ روشنی برای ورشکستگی این مجتمع صنعتی پیدا کرد. اما رقم بالای بدهی این مجتمع آن هم در مدت زمان بسیار کوتاه خبر از دزدی های بزرگ در این واحد تولیدی می دهد. اما آنچه که در رسانه های جمهوری اسلامی و در اظهار نظر های مقامات جمهوری اسلامی به چشم

مجتمع پتروشیمی اصفهان تعطیل شد. این مجتمع در سالهای ۸۹ و ۹۰ به عنوان صادر کننده نمونه شناخته شد و ظاهراً از وضعیت مالی مستحکم برخوردار بود. از یک سال و نیم پیش این کارخانه بطور کامل به بخش خصوصی واگذار شد. اعلام شده است که این مجتمع با داشتن ۲۴۲ میلیارد تومان بدهی قادر به خرید مواد اولیه برای ادامه تولید نیست و به همین دلیل تعطیل شده است. پروژه خصوصی سازی این مجتمع که از سال ۸۷ آغاز شده بود یک سال و نیم پیش به

بازتاب هفته

وقتی فاشیستها گزارش کارگری می دهند

بهر روز مهربادی

شوند. کارگرانی که بویژه در بخش ساختمان و کشاورزی هزاران میلیارد سود به جیب سرمایه داران سرازیر کرده اند، مقصدند و حکومتی فاشیستی که حق تشکل، حق سلامت و درمان، حق بازنشستگی و ابتدائی ترین حقوق انسانی را از این کارگران سلب کرده و آنها را تحت پیگرد دائمی قرار می دهد، فقط نتوانسته است که "ورود جدی و مناسبی به منظور نظارت و سازماندهی نیروی کار داشته باشد" و موجب شده است که "نیروهای کار غیرمجاز خارجی به راحتی در کشور تردد و اشتغال دارند."

گزارش روزنامه مهر بخشی از تبلیغات فاشیستی جمهوری اسلامی بر علیه کارگران افغانستانی است. کارگران افغان ضعیف ترین بخش از کارگران هستند. رژیم تلاش دارد تا با فشار آوردن به آنها از طرفی سطح دستمزد آنها و در نتیجه سطح دستمزد عمومی کارگران را پائین تر ببرد. رژیم می خواهد تقصیر بحران عمیق اقتصادی خود و افزایش روز افزون بیکاری را به گردن این کارگران انداخته و کارگران ایرانی و افغانستانی را که هر دو توسط سرمایه داران و حکومتشان استثمار و سرکوب می شوند، در مقابل هم قرار دهند. این شیوه کهنه و قدیمی شده است. کارگران هوشیار تر از آن هستند که تحت تاثیر مزدورانی نظیر حمید حاج اسماعیلی و این قبیل گزارشات قرار بگیرند. آنچه که کارگران را جدا از ملیت، نژاد و زبانشان متحد و یکپارچه می کند، قویتر از آن است که این تبلیغات فاشیستی به آن خللی وارد کند. محرومیت آنها از ابتدائی ترین حقوق و خواست مشترکشان برای دستیابی به معیشت و منزلت انسانی عامل مهم وحدت آنها در مقابل سرمایه داری و حکومت اسلامی پیشتیبان آن است.*

خبرگزاری مهر در روز ۱۱ شهریور در گزارشی خبر از ۵ میلیون کارگر روز مزد داد که از هیچگونه حمایت قانونی از قبیل بیمه و حقوق مشخص برخوردار نیستند. بنا بر این گزارش "این کارگران از بیمه، سنوات، عیدی، پاداش، گروه، رتبه، اضافه کاری، حقوق ثابت و مواردی از این دست محروم هستند." بیشتر این کارگران در بخش ساختمانی، کشاورزی و خدمات کار می کنند. این گزارش حاکی است که این کارگران آسیب پذیر ترین بخش کارگران هستند و از هر گونه امنیت شغلی محرومند و دستمزد این کارگران تابع هیچ ضابطه ای نیست.

خبرگزاری مهر در مورد وضعیت این کارگران با شخصی بنام حمید حاج اسماعیلی مصاحبه کرده و او را نماینده سابق کارگران در هیئت حل اختلاف معرفی می کند. حاج اسماعیلی می گوید: "متأسفانه به دلیل عدم وجود برنامه های حمایتی از نیروی کار شاغل در بخش روز مزدی، هم اکنون اتباع بیگانه به ویژه افغانه محوریت کارها را در این حوزه به دست گرفته اند." حاج اسماعیلی بی حقوقی کارگران روز مزد را به گردن کارگران افغانی و اندازد. سرمایه دار حریص ایرانی و حکومت کارگر کش اسلامی در سخنان این "ضد کارگر" تبرئه می شوند. در گزارش روزنامه مهر و اظهارات "حاج اسماعیلی ضد کارگر" کارگران افغان که دائماً تحت تعقیب او باش حکومتی هستند، مقصد قلمداد می شوند و سرمایه دارانی که از استیصال آنها استفاده کرده و در بسیاری مواقع با تهدید به لو دادن این کارگران را وادار به کار بردگی می کنند، بی تقصیر و پاک جلوه داده می

آخرین رویدادها در مورد معدنچیان اعتصابی در آفریقای جنوبی

و همبستگی جهانی است که سرمایه داران را دچار بیم و هراس می کند.

در حال حاضر اعتصابات متعددی در گوشه و کنار معادن مختلف آفریقای جنوبی جریان دارد. از تعداد ۲۸۰۰۰ کارگر معدن لون مین ۶،۵ درصد کارگران شروع بکار کرده اند. در اطراف معدن فوق کماکان اعتراضات بر علیه کارگران اعتصاب شکن ادامه دارد. آنچه که معلوم است، اوضاع در میان کارگران معدن در آفریقای جنوبی ملتهب و آماده انفجار می باشد. بخاطر اعتراضات گسترده بین المللی و خشم کارگران آفریقای جنوبی پلیس جنایتکار جرأت نمی کند به کارگران حمله کند. سرمایه داران آفریقای جنوبی از آن بیم دارند که اگر اعتصابات توسعه پیدا کرده و سراسری شود، بعید نیست که منتهی به قیام و انقلاب کارگری شده و اوضاع غیر قابل کنترل شود. تانکهای زره پوش پلیس همچنان در محل کارگران بخون خفته، مستقر است و کنترل اوضاع را در دست دارند.*

کارگران در سراسر جهان گره می خورد و از این زاویه باید بشدت مورد حمایت قرار بگیرد.

تقاضای محاکمه کارگران زندانی مبتنی بر یکی از قوانین موجود از سیستم آپارتاید قبلی است که کماکان در نظام جدید بکار گرفته شده و تضمین اجرایی دارد. این واقعیت نشان داد که نظام و سیستم راسیستی و نژادپرستانه آپارتاید از بین نرفته و با ظاهری متفاوت کماکان در جامعه حکمفرمایی می کند. حاکمیت جدید هم حافظ نظام سرمایه داری در جامعه است. همانگونه که حکومت سرمایه داری حاکم به همراه شرکت های انگلیسی و سهامداران غربی آن ها، کارگران تھی دست آفریقای جنوبی را استثمار کرده و در مقابل خواست آنها برای بهتر شدن معیشت زندگیشان، آنها را وحشیانه به گلوله بسته و قتل عامشان می کنند، بایستی کارگران سایر کشورهای جهان هم در حمایت از کارگران آفریقای جنوبی، کمک ها و اقدامات بین المللی در حق هموعان خود را انجام دهند. این اتحاد

از صفحه ۴

بقتل رسانده اند. کوچکترین اعتراضی هم به حملات وحشیانه پلیس بعنوان قاتلین کارگران نمی شود. پیام معترضین به تصمیم دادستانی این بود: چنانچه دستگیر شدگان، هر چه سریعتر آزاد نشوند، ما برکناری رئیس جمهور را در راس مطالباتمان قرار خواهیم داد. یک کارگر اعتصابی معترض و خشمگین که برادرش را در این واقعه ای از دست است می گوید، اگر بخواست برحق ما پاسخ ندهید، مقتولین در زیر خاک خفته شده را بیدار خواهیم کرد. مازندگی بهتری را می خواهیم نه قتل و کشتار. چنین تهدید بجا و برحق سبب شد که دادستانی نه تنها، حرف خودش را "بطور موقت" پس گرفت بلکه ناچار شدند که دستگیرشدگان را بلافاصله از زندان آزاد کنند. واضح است که در صحنه بین المللی هم، چنین رفتار غیر انسانی بر علیه کارگران اعتصابی، اعتراضات وسیعی را برپا کرد. زیرا سرنوشت کارگران آفریقای جنوبی به سرنوشت

معلمان علیه فقر و گرانی



شہلا دانشفر

فردا روز فراخوان معلمان به تجمعات بزرگ در سراسر کشور علیه فقر و گرانی است. وسیعاً به این فراخوان پاسخ دهیم.

معلمان اعلام کرده اند که شنبه ۱۸ شهریور در تهران و در تمام شهرستانها در مقابل مراکز آموزش و پرورش جمع خواهند شد و اگر پاسخ نگیرند اول مهر روز بازگشایی مدارس را به روز اعتصاب سراسری خود تبدیل خواهند کرد. این فراخوان نزدیک به دو ماه است که یک گفتمان و بحث اصلی در فیس بوک و رسانه های اجتماعی است. شورای مرکزی تشکل های صنفی معلمان نیز در نشستاتی که در اول مرداد ماه داشتند، آنرا بصورت بیانیه ای اعلام کرده اند. این بیانیه بر فقر و گرانی و خواست افزایش دستمزدها تاکید گذاشته است. این بیانیه همچنین اعتراضی بر وضعیت زلزله زدگان آذربایجان و ناروشتی وضع مدرسه و تحصیل در آنجا و نیز بر نابسامانی وضع مدارس و تحصیل دانش آموزان در کپرهایی به نام مدرسه است.

فراخوان معلمان نه تنها به همکارانشان بلکه به همه خانواده هایی که فرزندانشان باید به مدرسه بروند، به مردم زلزله زده آذربایجان و به کل جامعه است. این فراخوان بطور واقعی ادامه اعتراض هزاران نفر از مردم در شهر نیشابور با شعار ننگ بر گرانی است. باید وسیعاً به اعتراض معلمان پیوست و همصدا با آنان اعلام داشت که

اگر پاسخی داده نشود، اول مهر روز بازگشایی مدارس روز اعتراض وسیع همه ما مردم خواهد بود.

معلمان یک بخش محروم جامعه اند. حقوق ماهانه معلم، همچون دستمزد کارگر و پرستار و بخش های مختلف مردم چندین برابر زیر خط فقر است و این موضوع اصلی اعتراض آنان است. وضعیت معلمان حق التدریسی و پیمانی به مراتب وخیم تر است و بنا بر آمارهای خود دولت صحبت از ۴۰ هزار معلم حق التدریسی است. معلمانی که هیچگونه امنیت شغلی ندارند. معلمان حق التدریسی در قبال همان کاری که معلمان رسمی انجام میدهند با کمترین دستمزد کار میکنند. در ایام تعطیل نیز هیچگونه حقوق و مزایایی به آنها تعلق نمیگیرد و بارها و بارها شاهد تجمعات اعتراضی آنان در مقابل مجلس اسلامی بوده ایم. رژیم اسلامی از وجود این بخش از معلمان برای فشار آوردن به معلمان رسمی استفاده کرده و شرایط دشوارتری از کار را بر آنان تحمیل میکند.

سالها است که معلمان به این وضعیت اعتراض دارند و بارها و بارها علیه آن تجمع اعتراضی بر پا داشته و بخاطرش دست از کار کشیده اند. یک نمونه بیاد ماندنی آن تجمع هزاران نفره معلمان در سال ۸۵ با شعار "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، در مقابل مجلس اسلامی بود که به نوبه خود نقش مهمی بر فضای سیاسی جامعه و بالا بردن توقع بخش های مختلف مردم از خواستها و نیازهایشان داشت. در همان موقع معلمان با شعار "نمایند ۶۰ میلیون، معلم ۱۶۰ هزار" به بهترین شکل علیه تبعیض به پا خاستند و خواهان یک زندگی برابر و انسانی برای کل جامعه شدند. امروز معلمان در شرایطی به میدان می آیند که فقر و فلاکت

ابعادی بیسابقه بخود گرفته و جامعه را به حد انفجار رسانده است. امروز بیش از هر وقت پیوستگی اعتراض معلمان به خواسته های کل مردم را میتوان دید.

علاوه بر شرایط اقتصادی بسیار سختی که معلمان در آن بسر میبرند، شرایط کاری آنان نیز بسیار دشوار و مشقت بار است. دخالت مستقیم مذهب در آموزش و پرورش، طرح های رژیم برای اسلامی کردن مدارس، حاکم کردن فضای تفتیش عقاید در مدارس، اعزاز گله های آخوند به مدارس و تبدیل آنها به حوزه های علمیه قم، اعمال تبعیض جنسیتی، تحمیل حجاب بر کودکان و محروم کردن آنان از بازی و کودکی همه و همه یک بخش سیستماتیک فشار و تحقیر بر روی معلمان است. حراست و انجمن صنفی و دیگر نیروهای سرکوب را نیز در مدارس گذاشته اند تا به کمک آنان هر اعتراضی را عقب بزنند. در چنین شرایطی معلم نه اختیاری دارد و نه هیچگونه امنیت شغلی. بلند شدن صدای هر اعتراضی و حرف زدن از علم و حقیقت، حکمش اخراج، تبعید و دستگیری و زندان است. از جمله در همین مدت در جریان نشست تشکلهای صنفی معلمان در شهر سنجند سه نفر از معلمان در این شهر به اسامی پیمان نودینیان، بهالدین ملکی و رامین زندنیا به دادگاه احضار شدند. محمد توکلی از معلمان معترض در شهر کرمانشاه به دادگاه احضار شده است. رسول بدایغی از اعضای کانونی صنفی معلمان نیز با ۶ سال زندان در بند است و بسیاری از معلمان معترض نیز حکم تبعید گرفته اند که یک نمونه آن نبی الله باستان است که به شهر بروجرد تبعید شده است. معلمان امروز به کل این وضعیت معترضند.

یک معضل دیگر معلمان وضع نابسامان مدارس است. بخش بسیاری از مدارس همانطور که در بیانیه شورای مرکزی تشکل های صنفی معلمان می بینیم، از حداقل استانداردهای بهداشتی و ایمنی محرومند. در همین چند ساله موارد بسیاری از فروریزی سقف مدارس و آتش سوزی در مدارس و غیره را شاهد بوده ایم که قربانیان آن کودکان ما بوده اند. یک نمونه بارزشش، مدرسی است که در زلزله آذربایجان فوراً با خاک یکسان شدند. بگذریم که حتی همین مدارس موجود نیز در حد نیاز مردم وجود ندارد. از جمله در چند ساله اخیر مدارس بسیاری را تعطیل و در هم ادغام شده اند. برای اینکه پرسنل کمتری به کار گرفته شود و در نتیجه کلاس های شلوغ محیط سرسام آوری برای معلمان و دانش آموزان بوجود آورده است. اینها همه و در کل یک آموزش غیر انسانی و زیر استاندارد یک معضل عمومی جامعه و موضوع اعتراض معلمان است.

در جامعه ای که همه چیز کالا شده و با پول معامله میشود، تحصیل نیز به یک کالای لوکس تبدیل شده است. یک آموزش و پرورش کاملاً طبقاتی که جز اقلیتی محدود، فرزندان توده عظیمی از مردم جامعه از آن بهره ناچیزی دارند. یک درد هر روزه معلمان وضعیت نابسامان دانش آموزان است. فقر و فلاکت و سوء تغذیه و مشخصاً گرسنگی دانش آموزان محیط آموزش را برای معلمان دردناک کرده است. موارد بسیاری اتفاق افتاده است که دانش آموزی بخاطر اینکه صبحانه و حتی شام نخورده است از گرسنگی در سر کلاس از حال رفته است. معضل گرسنگی تاثیر مستقیم خود را بر تمرکز دانش آموزان در کلاس درس گذاشته است و معضل شلوغی کلاس ها نیز وضع را وخیم تر کرده است. دیدن این وضعیت یک فشار هر روزه بر جسم و روان

معلمان است. تازه این داستان زندگی آن بخش از کودکانی است که توانسته اند به هر شکلی که شده به مدرسه راه یابند. رقم بزرگی از کودکان این جامعه امروز تحت عنوان کودکان کار و خیابان از تحصیل محرومند. درباره تعداد این کودکان از رقم ۴ میلیون نفر، سخن در میان است. معلوم نیست امسال چه تعداد دیگر کودک از چرخه تحصیل بیرون خواهند ماند. بخش بسیاری از کودکان زلزله زده آذربایجان نیز به این تعداد اضافه میشوند. این نیز یک بخش دیگر نگرانی معلمان و کل مردم است.

آنچه که بر شمرده به یک معنا معضلات همیشگی معلمان بوده است. اما ابعاد آن امروز به حد یک فاجعه رسیده است. نزدیک شدن اول مهر و تهیه وسایل تحصیل برای کودکان، گرفتن پول از کودکان برای ثبت نام تحت عناوین مختلف از جمله کمک به کمیته امداد و غیره و یا هزینه ساختمان و غیره همه و همه به کابوسی جدی برای خانواده و معلمان تبدیل شده است. امروز معلمان به کل این وضعیت معترضند. به این ترتیب

خواستهای معلمان روشن است. - معلمان علیه فقر و گرانی بپا خاسته و خواهان یک زندگی انسانی و افزایش فوری دستمزدهایشان هستند

- حدود ۴۰ هزار معلم بصورت حق التدریسی و بسیاری از آنان بصورت پیمانی کار میکنند. باید دست پیمانکاران، دلالان و واسطه های کار از آموزش و پرورش و از تمام محیط های کار کوتاه شود.

- معلمان بارها اعلام کرده اند که خواهان زدوده شدن خرافات از کتب درس و از آموزش و پرورش هستند.

مذهب باید از آموزش و پرورش جدا باشد. داشتن یک آموزش و پرورش سکولار، مدرن و انسانی خواست همه مردم است.

صبح شنبه ۱۸ شهریور روز تجمع اعتراضی معلمان در تهران و در سراسر کشور

اذیت و آزار فعالین معلمان، بازداشت و تبعید آنها را شدیداً محکوم میکند و همه معلمان و مردم در سراسر کشور را به اعتراض به جمهوری اسلامی و رفتار سبعانه اش با معلمان معترض فرامیخواند.

زنده باد تجمعات سراسری معلمان و همه مردم در سراسر کشور
زنده باد اعتصابات عمومی در اعتراض به فقر و بیحقوقی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ شهریور ۱۳۹۱، ۳ سپتامبر ۲۰۱۲

کشور در این تجمعات شرکت کنند و خواهان افزایش حقوق ها و بازنشستگی ها، کمک هزینه به مادران تنها و به همه مردمی که جمهوری اسلامی آنها را به فقر محکوم کرده است، شوند.

در روزهای گذشته همچنین سه نفر از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان بنام بها الدین ملکی، رامین زندنیا و پیمان نودینیان به دادسرای انقلاب سندج احضار شده اند و محمد توکلی دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه به حراست وزارت آموزش و پرورش احضار شده است. حزب کمونیست کارگری

گسترده تری پیدا میکند و تا همینجا کمر مردم زحمتکش را شکسته است. اما جمهوری اسلامی خواب های شوم تری دیده است که از پرداخت کامل همین حقوق های ناچیز هم خودداری کند.

گرانی و فقر و دستمزدهای ناچیز مساله اکثریت قریب به اتفاق جامعه است. حزب کمونیست کارگری همه معلمان و کارگران و زحمتکشان در سراسر کشور را، همه جوانان، بازنشستگان و مردم شریف و آزاده را فرامیخواند که همراه با معلمان در تهران و در سراسر

اگر مسئولین جمهوری اسلامی به خواست های معلمان توجهی نکنند، تجمعات سراسری معلمان از روز اول مهر یعنی روز بازگشایی مدارس ادامه خواهد یافت.

این فراخوانی به کلیه معلمان و خانواده های آنها، به دانش آموزان و خانواده هایشان و به کلیه کارگران و مردم فقیر و محروم کشور است که در اعتراض به فقر و محرومیت شدیدی که به آنها تحمیل شده است به میدان بیایند و همه جا دست به اعتراض بزنند. گرانی و بیکاری و فقر هرروز ابعاد

در چند هفته گذشته فراخوانی از جانب معلمان برای تجمع اعتراضی در روز شنبه ۱۸ شهریور از طریق اس ام اس و به اشکال مختلف منتشر شده است. "شورای مرکزی تشکل های صنفی معلمان" نیز به معلمان سراسر کشور فراخوان داده است که صبح روز شنبه ۱۸ شهریور در مقابل ادارات آموزش و پرورش در تهران و سراسر کشور دست به تجمع اعتراضی بزنند. این فراخوان در اعتراض به فقر، گرانی و دستمزدهای پائین معلمان، کارگران و کارمندان صادر شده و گفته شده است که

صبح شنبه مقابل ادارات آموزش و پرورش در همه شهرها خطاب به دانش آموزان و خانواده های آنها

دانش آموزان و خانواده های آنها با معلمان

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ شهریور ۱۳۹۱، ۶ سپتامبر ۲۰۱۲

جمهوری اسلامی حاکم کرده است.

زنده باد همبستگی کل جامعه با معلمان زحمتکش
زنده باد همبستگی و همراهی

آنها حمایت کنند. این حرکت مقدمه حرکات بزرگتر و گسترده تری است که با شروع مدارس ادامه می یابد. مقدمه دست زدن به اعتصابات سراسری علیه فقر و بیحقوقی و تبعیضاتی است که

جنسیتی اعتراض دارند. علیه تبعیضات و اجحافات مختلف اعتراض دارند. اینها همه خواستهای شما دانش آموزان و خانواده های شما است. معلمان را تنها نگذارید.

وسیعاً خبررسانی کنید و از خواست های آنها حمایت کنید. در جریان حرکت های اعتراضی و اعتصابات سراسری معلمان در سالهای گذشته شما نقش بسزایی در خبر رسانی و شرکت در اعتصاب داشتید و قاطعانه از حرکت آنها حمایت کردید، اینبار نیز این حرکت را هرچه میتوانید تقویت کنید. همچنین از جوانان و مردم شریف و آزاده می خواهیم به هر شکل میتوانند با خبر رسانی و شرکت در تجمعات معلمان و حمایت از خواست های بحقشان از

معلمان روز شنبه ۱۸ شهریور را روز اعتراض سراسری خود علیه فقر و گرانی اعلام کرده اند. خواست معلمان خواست اکثریت عظیم مردم است. خواست همه کارگران و زحمتکشان کشور است. خواست دانش آموزان و خانواده های آنها است. با تمام قوا از این فراخوان حمایت کنید.

فقر و گرانی و دستمزدهای ناچیز معضل تمام کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان زحمتکش و میلیون ها بازنشسته فقیر است. معضل اکثریت قریب به اتفاق دانش آموزانی است که کمر خانواده هایشان زیر بار فقر و گرانی خورد شده است. معلمان همچنین به اشکال مختلف علیه آموزش خرافات مذهبی در مدارس اعتراض دارند. علیه جداسازی



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

درباره تشکیل کمیته آذربایجان حزب



در شماره قبیل انترناسیونال اطلاعیه تشکیل کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری منتشر گردید. محسن ابراهیمی بعنوان دبیر این کمیته انتخاب شده است که اطلاعیه آن را در صفحات این شماره می‌توانید ملاحظه کنید. با تبریک به محسن ابراهیمی مصاحبه ای با ایشان داریم و در مورد این کمیته، ضرورت تشکیل و اهداف آن می‌پرسیم.

انترناسیونال: در اطلاعیه تشکیل کمیته آذربایجان حزب، به شرایط سیاسی ویژه در آذربایجان اشاره شده است. لطفا در مورد این شرایط ویژه توضیح بیشتری بدهید. محسن ابراهیمی: در آن اطلاعیه به دو فاکتور تاریخی و سیاسی اشاره شده است و بر اساس آنها استنتاج شده است که جدال طبقاتی در آذربایجان از شرایط ویژه ای برخوردار است. اگر معنا و مضمون همین دو فاکتور روشن شود میتوانیم از شرایط ویژه مورد نظر اطلاعیه تصویر روشنتری داشته باشیم. دو فاکتور مورد اشاره اینها هستند:

۱- سابقه دیرینه و فعال جنبش کارگری و کمونیستی در آذربایجان.

۲- وجود ستم ملی و تحرکات ناسیونالیسم ترک.

آذربایجان به خاطر هم مرزی با روسیه تاریخاً از تحولات سیاسی آن کشور تاثیر فراوانی گرفته است.

جمعیت عظیمی از کارگران آذربایجان مخصوصاً در مقطع دو قرن نوزده و بیست به عنوان کارگر مهاجر در مراکز صنعتی آذربایجان روسیه، مشخصاً در صنعت نفت باکو کار و زندگی میکردند؛ عملاً بخشی از جنبش کارگری و کمونیستی آن مقطع را تشکیل میدادند؛ در فعل و انفعالات جنبش کارگری و کمونیستی آن منطقه از نزدیک درگیر بودند و فعالین کارگری و کمونیست این طیف مهاجر در انقلاب اکتبر که برای اولین بار طبقه کارگر را به قدرت رساند مستقیماً درگیر بودند. در نتیجه این واقعیت تاریخی، فرهنگ و سنت سیاسی آزادخواهانه و برابری طلبانه در جامعه آذربایجان اشاعه وسیعی داشته است. تعداد زیادی از رهبران چپ و کمونیست در آذربایجان از میان همین طیف برخاسته اند. اعضای حزب عدالت که در مقطع انقلاب اکتبر با تلاش کارگران ایرانی صنعت نفت باکو تشکیل شد، منظمآ در میان ایران و مشخصاً آذربایجان و باکو در رفت و آمد بودند و نقش مهمی در شکل گیری جنبش کارگری در آذربایجان داشتند.

در فرصت دیگری میتوان و لازم است در باره جزئیات این موضوع و آثار سیاسی اش در ایران و مشخصاً در آذربایجان مفصل تر صحبت کرد. در اینجا به این تصویر کلی بسنده میکنم که متعاقب همین زمینه تاریخی و مخصوصاً با توجه به وسعت طبقه کارگر صنعتی در مراکز مهم شهری مثل تبریز، مبارزه رادیکال کارگری و حضور طیف رادیکال و سوسیالیست در این مبارزه یکی از مشخصه های برجسته در تنشهای سیاسی در آذربایجان بوده است.

مشخصه ای که اگر تقویت شود بدون تردید در تحولات سیاسی آتی آذربایجان نقش مهمی ایفا خواهد کرد. یک دلیل مهم تشکیل کمیته آذربایجان حزب، دخالت فعال در سازمانیابی این گرایش است.

فاکتور دیگری که جدال طبقاتی در آذربایجان را ویژه میکند وجود ستم ملی و بر زمینه چنین ستمی تحرکات ناسیونالیسم است. قبلاً لازم است روی این تاکید کنم که آذربایجان به عنوان بخشی از جغرافیای سیاسی ایران که زیر سلطه حکومت اسلامی است مشمول همه مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که مردم در سراسر ایران از آنها رنج میبرند. فقر گسترده کارگران و توده های وسیع زحمتکش، استبداد سیاسی، آزار و تحقیر سیستماتیک زنان، خفقان فرهنگی حاکم بر زندگی همه بخصوص جوانان، دست درازی قوانین اسلامی به همه جلوه های زندگی مردم همانقدر بر زندگی لحظه به لحظه مردم آذربایجان سنگینی میکنند که بر زندگی مردم در سایر نقاط ایران. و به این معنا مسئله و موضوع بلافاصله مبارزه در آذربایجان رها شدن از حکومت اسلامی است.

اما اکثریت مردم آذربایجان، علاوه بر همه مسائل مشترکشان با مناطق دیگر ایران، از ستم دیگری به نام ستم ملی هم رنج برده اند و میبرند. این ستم اساساً خود را در سرکوب دائم فرهنگی، در محرومیت از تحصیل و فعالیت فکری و فرهنگی و ادبی و هنری به زبان مادری نشان میدهد.

اگر چنین ستم ملی وجود نداشت روشن است که ناسیونالیسم ترک محلی از اعراب نداشت و روشن است که مبارزه و مقابله با

این ناسیونالیسم هم جایگاهی جدی نداشت. اما در آذربایجان ناسیونالیسم ترک دقیقاً با دست بردن به وجود چنین ستمی است که میدانی برای بازی سیاسی پیدا کرده است. میدانی که باید با تعرض متقابل ما در مقابل جریانات ناسیونالیستی و قوم پرست تنگتر و تنگتر شود. کمیته آذربایجان حزب با قدرت تمام به استقبال این جدال میروید. جدالی که برای پیروزی در آن حزب ما از امکانات و اهرمهای سیاسی و اجتماعی وسیعی برخوردار است.

وجه مهمی از نقطه قدرت ما فضای سیاسی بشدت انسانی در میان نیروهای اصلی دخیل در تحولات سیاسی در کل ایران و به تبع آن در آذربایجان است. این را شعارهای قیام ۸۸ نشان داد. این را اعتراض توده ای در آذربایجان علیه تحقیر و تحریک نژاد پرستانه روزنامه دولتی ایران در ۸۵ نشان داد. علیرغم اعتراض به تبعیض و تحقیر ملی، جنبش مردم آذربایجان به دام تحریکات بی شرمانه رسانه های قوم پرستان علیه "فارسیها" نیفتاد و از تعرض به هدف اصلی یعنی خود حکومت اسلامی و نهادهای سرکوب حکومتی منحرف نشد. و البته زلزله منطقه قراغ در آذربایجان، عظمت، قدرت و عمق انسانیت و انسان دوستی و نوع دوستی توده های وسیع مردم از جمله در آذربایجان را نشان داد.

وجه دیگر نقطه قدرت ما شرایط مبارزه در کل جهان است. یک لحظه شرایط بعد از فروپاشی قطب شوروی در دو دهه پیش و لجنزاری که متعاقباً جریانهای ناسیونالیست بر جای گذاشتند را با مقطع کنونی مقایسه کنید. بشریت نمیتواند فراموش کند که چگونه یوگسلاوی سابق را همکیشان و همفکران همین ناسیونالیستهای ترک به جهنمی تبدیل کردند که زخمهایش تا نسلها باقی خواهد ماند. کسی یادش نرفته است که چگونه یک دهه بعدتر در عراق و افغانستان دمکراسی قومی - قبیله

ای - مذهبی براه انداختند که مهره های اصلیش شیوخ و رهبران مذهبی مرتجع، جنگسالاران آدمکش و روسای قبایل بودند. و در خود غرب هم، دولتها و محافل حاکم تحت نام نسبیت و مدارای فرهنگی دست مذهب را برای تعرض به زندگی مردم کاملاً باز گذاشتند.

جهان "یکباره" عوض شد. موجی از میدان تحریر با شعار "آزادی و حرمت انسانی" بلند شد و تمام دنیا را صحنه خروش امواج انسانیهای کرد که با همین شعار دیکتاتور بعد از دیکتاتور را به پایین کشیدند. انقلاب کردن علیه ستم و نابرابری محبوب قلب اکثریت عظیم جهان شد. حتی جنبشهایی که مقابله با انقلاب فلسفه وجودیشان بود مجبور شدند از انقلاب به خوبی یاد کنند اگر چه برای خالی کردن زیر پای همان انقلاب.

این تحولات نشانگر یک رنسانس عظیم فکری، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی در مقابل چندین دهه بکه تازی نیروهای مذهبی و قوم پرست است. رنسانسی که پرچم "آزادی و حرمت انسانی" را بر فراز جهنمی بلند کرد که تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی شرق برای بشر به ارمغان آورده بودند.

ناسیونالیسم ترک میخواهد بساط قوم پرستی و نژاد پرستی را در زمینی پهن کند که با این رنسانس و با انقلابات معاصر بشدت شکاف برداشته است. فقط کافی است صف کمونیسم و انسانهای برابری خواه تعرض متقابل کنند تا این جریان بی ربط به دنیای معاصر و فضای انسانی غالب بر اکثریت عظیم، در میان این شکاف ها گم و گور شود.

انترناسیونال: جدال های سیاسی و ایدئولوژیکی در منطقه که در اطلاعیه از آن اسم برده شده است، چه مضمون و چه ویژگی هایی دارند؟

مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

از صفحه ۸

محسن ابراهیمی: پایه ای ترین جدال سیاسی ایدئولوژیکی در آذربایجان همان است که در سراسر ایران جریان دارد: جدال اکثریت و وسیع مردم با حکومت اسلامی و قوانین شرعش. بنیاد طبقاتی این جدال، کشمکش میان طبقه کارگر از یکطرف و طبقه سرمایه دار و حکومتش از طرف دیگر است. کشمکشی که پیشروی طبقه کارگر در آن منوط به در هم شکستن سازمان سیاسی طبقه حاکم یعنی جمهوری اسلامی است. به این معنا روشن است که همه فاکتورهای سیاسی و ایدئولوژیکی که به نحوی در سرنوشت این جدال دخیل هستند برای مبارزه مردم آذربایجان هم اهمیت دارند.

برای مثال، همچون سایر نقاط ایران، در مبارزه طبقه کارگر و اکثریت مردم آذربایجان علیه حکومت اسلامی، افشا و مقابله با انواع آلترناتیوهای اصلاح طلبانه که در فکر تعدیل حکومت هستند، افشا و مبارزه با اپوزیسیون ملی اسلامی و راست پرو غرب که دغدغه شان این است که سر مبارزه انقلابی مردم را آنچنان کج کنند که ترکیب طبقاتی جامعه دست نخورده باقی بماند، حیاتی است.

اما در آذربایجان به طور مشخص، ایدئولوژی ناسیونالیستی و مشخصا ناسیونالیسم قوم پرستانه ترك می‌خواهد نقش محوری در مقابله با انقلاب و آرمان برابری و آزادی بازی کند. این جریان خوب میداند که هر چقدر ایده های آزادی خواهانه و برابری طلبانه در جامعه رشد کند، هر چقدر سعادت و رفاه همه انسانها به ارزش حاکم جامعه تبدیل شود، هر چقدر بیشتر بزرگوار شدن حکومت سرمایه

در ایران و رها شدن از هر گونه تبعیض از جمله تبعیض و ستم ملی به هدف پایه ای مردم تبدیل شود، همانقدر زیر پای جریانات ناسیونالیستی هم بیشتر خالی خواهد شد.

از نقطه نظر ایدئولوژیکی و سیاسی، ناسیونالیسم ترك - با تمام تنوعاتش - دستور سیاسی اش این است که نقش يك ایدئولوژی و سیاست آلترناتیو برای حل بحران حکومتی در آذربایجان به نفع بورژوازی آذربایجان را ایفا کند. اسلام به عنوان ایدئولوژی حکومت ترکه‌های جدی برداشته است و به سرعت رو به افول است و اینها می‌خواهند ناسیونالیسم را به مثابه ایدئولوژی حکومتی بعدی در آذربایجان جا بیندازند که این بار بورژوازی آذربایجان به وسیله آن از گرده طبقه کارگر آذربایجان بهره کشی کند. این البته در درجه اول تحرکی در مقابل رادیکالیسم طبقه کارگر و نیروهای آزادیخواه و برابری طلب است و جوابش را هم باید همین نیروهای رادیکال بدهند.

کمیته آذربایجان حزب، که افشا کردن و عقب راندن این جریان ارتجاعی را به مثابه یکی از اولویتهای خود در دستور گذاشته است، عملا تلاش خواهد کرد به مثابه ابزار سازمانی و صدای گویای همین نیروهای رادیکال عمل کند.

انترناسیونال: شما چه پیام و چه فراخوانی از طرف کمیته آذربایجان حزب دارید؟

محسن ابراهیمی: پیام و فراخوان من به صف خودمان در آذربایجان، به صف انسانهای آزادیخواه و برابری طلب این است که: میلیونها کارگری که سی و چهار سال حاکمیت فقر و نداری زندگیتان را تباه کرده است! انسانهای شریفی که برای

رهایی از کابوس فقر و نداری و جهل و خرافه و تبعیض لحظه شماری میکنند!

زنانی که در سایه يك حکومت مذهبی انسانیتان شب و روز لگد مال میشود!

جوانانی که می‌خواهید مثل انسان زندگی کنید و در هوای آزاد، هوایی خالی از جانور متعفن به نام شریعت و حکومتش نفس بکشید! فعالین کارگری آزادیخواه، فعالینی که رفاه و زندگی مثل انسان را حق خود و حق همه انسانها میدانید!

فعالین چپ، سکولار و آزادیخواهی که رفاه و آزادی و برابری همه انسانها محور تصویر شما از يك جامعه انسانی است!

اگر صدایمان را یکی کنیم، اگر صفمان را متحد کنیم، اگر خودمان را سازمان بدهیم، صدای ما بسیار بلندتر، تعرض ما بسیار قدرتمندتر خواهد بود. فقط در مقابل تعرض چنین نیروی متحدی است که جمهوری اسلامی مثل خانه مقوایی در هم خواهد ریخت.

فقط در مقابل چنین قدرتی است که نیروهای مرتجعی مثل جریانات ملی اسلامی و نیروهای راست

طرفدار نظام نابرابر طبقاتی نخواهند توانست از میان ویرانه های جمهوری اسلامی سرنگون شده به عنوان آلترناتیو سیاسی قدرت بگیرند. فقط در مقابل چنین قدرتی است که ناسیونالیسم ترك نخواهد توانست حتی فکر راه انداختن بساط ارتجاع دیگری به جای جمهوری اسلامی را از مخیله اش عبور دهد.

دشمن بلافاصله ما حکومت اسلامی است. هدف بلافاصله ما به زیر کشیدن این حکومت است. هدف اصلی ما برقرار کردن جامعه ای است که در آن رفاه حق است، آزادی حق است، برابری حق است، محرومیت از هرکدام از این حقوق به بهانه مذهب، به بهانه نژاد، به بهانه رنگ، به بهانه جنسیت، به بهانه ملیت و قومیت جرم است.

ما نمی‌خواهیم و نباید اجازه بدهیم هیچ نیروی مرتجعی در مقابل اتحاد طبقاتی ما کارگران آذربایجان با هم طبقه ای هامان در سراسر ایران کوچکترین خدشه ای وارد کند.

ما نمی‌خواهیم و نباید اجازه بدهیم هیچ نیروی مرتجعی در صف متحد ما زنان و جوانان در

آذربایجان با زنان و جوانان در سراسر ایران کوچکترین لطمه ای وارد کند.

ما نمی‌خواهیم و نباید بگذاریم روی خرابه های جمهوری اسلامی که هويت انسانی ما را به نام هويت اسلامی لگدمال کرده است، هويت نژادی و قومی به ما الصاق کنند و این بار هم هويت انسانی ما را به نام هويت قومی لگد مال کنند.

در آذربایجان نیروهایی که به خودشان و به همونشان در همه ایران به عنوان انسانهایی با حق برابر نگاه میکنند بسیار زیادند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری صدای گویا و ابزار سازمانی این نیروی عظیم است. این کمیته تشکیل شده است تا صف این نیرو را در مقابل جمهوری اسلامی، در مقابل آلترناتیوهای بورژوازی ملی - اسلامی و راست و در مقابل ناسیونالیسم عقب مانده و ارتجاعی ترك متحدتر و متشکل تر و قدرتمندتر کند.

با پیوستن به حزب خود، صف خود را متحدتر، متشکلتر و قدرتمندتر کنید. ما شایسته دنیای بهتری هستیم. ما میتوانیم این دنیای بهتر را بسازیم.*

انتخاب دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

و محسن ابراهیمی. در این جلسه، محسن ابراهیمی برای دبیری کمیته کاندید شد که به اتفاق آرای حاضرین انتخاب شد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲ سپتامبر ۲۰۱۲
۱۲ شهریور ۱۳۹۱

ادامه بحث و تصمیم گیری در باره اولویتهای و اقدامات اولیه، نحوه کار کمیته و تقسیم کار اولیه، دبیر کمیته را انتخاب کرد.

اعضای کمیته آذربایجان عبارتند از:
مینا احدی، بهروزبهار، مهران میرزالی، بابک آزادی، جلیل جلیلی، سیاوش آذری، سرور کاردار

قبلا، طی اطلاعیه ای تشکیل کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران را به اطلاع عموم رساندیم. کمیته آذربایجان حزب که با هدف اختصاص نیروی بیشتر و سازمانیافته تر برای نمایندگی اهداف و سیاستهای حزب در آذربایجان تشکیل شده است، در جلسه ۲ سپتامبر ۲۰۱۲، در

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

سرما که وعده نمی فهد!

اگر بدادمان نرسید، همان کسانی که از زلزله جان بدر بردند، در اثر سرما خواهند مرد!

نامه زیر امروز از منطقه زلزله زده به دست ما رسیده است:

"دو سه روزی است که هوا بسیار سرد شده است. الان هفت درجه بالای صفر است و اینجا هوا سریع عوض میشود اگر بدادمان نرسند همین تعداد هم که از زلزله جان بدر برده ایم در اثر سرما و بی تأمین جانمان را از دست خواهیم داد. وضعیت طوری است که همه در فکر زنده ماندن هستند. مدرسه ها هم شروع میشود و یک داغ روی دل خانواده ها است که وضع بچه هایشان چه میشود و الان ۲۵ روز از زلزله میگذرد و هیچ کاری صورت

نگرفته است. تازه دو روز پیش آمدند و یک تعداد دیگر چادر دادند ولی هنوز تعدادی چادر ندارند، مردم از ستون های برقی که بجا مانده خودشان به چادرهایشان برق کشیده اند و بعضاً چراغی گرفته اند که غذایی درست کنند و حداقل گرمایی داشته باشند. باور کنید وضع خراب است دو روز پیش نزدیک به ۵۰ نفر رفتیم جلوی فرمانداری باز وعده دادند ولی سرما که وعده نمی فهد."

بیش از سه هفته از وقوع یک زلزله خانمان برانداز در آذربایجان میگذرد. حکومت اسلامی وقاحت و دناوت را به حد اعلا رسانده و از

تحصیل به بهترین دانشگاههای انگلیس و کانادا و ... فرستاده اند، در مقابل مردمی که همه هستی خود را از دست داده اند بیچار و بیکار ایستاده و هیچ کاری نمیکند. چند روز دیگر اول مهر است و کودکان زلزله زده باید به مدرسه بروند و مهمتر از آن این کودکان الان در سرمای جانسوز منطقه، در چادر زندگی میکنند و در چادر شب را به روز میسازند بدون کمترین امکانات زندگی. آیا همین یک مورد رفتار ددمنشانه، سند محکومیت حکومت جنایتکار اسلامی نیست؟ حکومتی که مانع کمک رسانی بین المللی شده، جوانان مددکار را با بهانه مسخره "پخش مواد غذایی تاریخ مصرف گذشته" گرفته و روانه زندان کرده و حکومتی که پاسخی به مردم دردمند نمیدهد؟

کمیته آذربایجان حزب کمونیست

کارگری ایران
۳ سپتامبر ۲۰۱۲
۱۳ شهریور ۱۳۹۱

سرما کشنده سرعت فرا میرسد! ادامه کمک به زلزله زدگان حیاتی است!

مردم شریف آذربایجان، زنان و مردانی که علیرغم هر مانعی که حکومت اسلامی بوجود آورد، به یاری زلزله زدگان منطقه قره داغ شتافتید؛

زنان و مردانی که در مقابل بی اعتنائی و قبیحانه جمهوری اسلامی، در یاری به قربانیان زلزله اوج انسانیت و همون دوستیتان را به نمایش گذاشتید؛

همه دنیا به چشم خود دیدند که شما در نجات قربانیان زلزله چقدر نقش حیاتی داشتید. اگر کمکهای شما نبود چه بسا تعداد زنده بگوران بیشتر میشد و چه بسا تعداد کسانی که از گرسنگی و تشنگی جان میدادند افزایش می یافت.

اگر شما اوج نوعدوستی و انساندوستی را به نمایش گذاشتید؛ جمهوری اسلامی اوج توحش و ضدیتش با انسان را نشان داد. همه ما به چشم دیدیم که چگونه درست

در نقطه مقابل شما، حکومت اسلامی با خونسردی تمام، با کمال رذالت و دناوت نه تنها به کمک زلزله زدگان شتافت، بلکه هر کاری کرد تا دست شما به دست قربانیان زلزله نرسد. تا توانست پاسدار و بسیج به منطقه ریخت تا در مقابل نوعدوستی قابل تحسین شما مردم آذربایجان، انساندوستی مردمی که از سایر نقاط ایران و جهان به یاری زلزله زدگان شتافتند سد ایجاد کند.

مردم شریف آذربایجان، شما در لحظاتی که زیر پای منطقه تکان خورد و سرپناه هزاران انسان را بر سر و جانشان آوار کرد و مرگ و ویرانی بر جای گذاشت با جان و دل به منطقه شتافتید. امروز موج زلزله تمام شده است اما مردمی که هنوز در ماتم از رفتگانشان خون گریه میکنند؛ مردمی که همه هستی محقرشان را از دست داده اند؛ کشاورزان و کارگرانی که یا معلول شده اند و یا

برای مردم، شبکه های قاچاق و دزدی و بساز و بفروشش برای بالا کشیدن ثروت جامعه به نام خانه سازی برای زلزله زدگان را بسیج خواهد کرد.

این را قربانیان زلزله بهتر از همه میدانند که از هر امکانی استفاده میکنند و فریاد میزنند "دولت که هیچ کمکی نکرد. اگر ملت نبود ما همه نابود میشدیم!"

قربانیان زلزله همچنان به یاری از سراسر دنیا، از سراسر ایران و مخصوصاً شما مردم آذربایجان که در همان منطقه هستید شدیداً احتیاج دارند. نه فقط به همدردی و نوعدوستی و انساندوستی شما که قلب داغدارشان را تسکین میدهد؛ نه فقط به غذا و پوشاک و پتو ... بلکه مهمتر از همه به این احتیاج دارند که صدایشان را به گوش مردم دنیا برسانید. به این احتیاج دارند که اجازه ندهید جمهوری اسلامی با تصویر دروغین خود اوضاع را روپراه جلوه دهد. به این احتیاج دارند که دزدان سرگردنه حاکم بر ایران را مجبور کنید با همان ثروتی که از مردم زحمتش دزدیده است برای بازماندگان زلزله خانه درست کند.

بازماندگان زلزله به ادامه کمک های مادی و روحی شما احتیاج دارند.

بازماندگان زلزله به اطلاع رسانی وسیع شما احتیاج دارند.

بازماندگان زلزله به اعتراض شما و تحت فشار قرار دادن حکومت اسلامی احتیاج دارند.

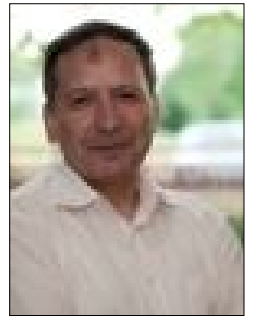
ما نباید و نمیتوانیم زلزله زدگان را در مقابل سرمای کشنده آذربایجان که سرعت فرا میرسد تنها رها کنیم.

ما نباید و نمیتوانیم آنها را در مقابل حیوانات وحشی که از همین الان هجومشان به این انسانهای بی پناه را شروع کرده اند تنها رها کنیم.

ما نباید و نمیتوانیم این انسانها را در مقابل جمهوری اسلامی، در مقابل قاتلان و دزدان حرفه ای حاکم بر ایران تنها رها کنیم.

محسن ابراهیمی
دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۳ سپتامبر ۲۰۱۲، ۱۳ شهریور ۱۳۹۱

شکستی دیگر، اقتضای بیشتر



بهروز مهرآبادی

ها می تواند به توافقی دست یابد تا حکومت بشار اسد را حفظ کند و یا حداقل تشکیل حکومت آینده در سوریه به منافع جمهوری اسلامی صدمه کمتری بزند.

سخنرانی محمد موری در ابتدای تشکیل اجلاس رویاهای جمهوری اسلامی را نقش بر آب کرد. محمد موری سخنان خود را با درود فرستادن به "ابوبکر، عثمان، عمر و علی" شروع کرد. این به معنی دهن کجی به ولی فقیه و اعلام این بود که در صحنه جنگ مذهبی و تحولات منطقه در مقابل جمهوری اسلامی و در کنار عربستان سعودی و متحدانش قرار دارد. محور اصلی سخنرانی محمد موری حمله به حکومت سوریه و رژیم بشار اسد بود. او در سخنان خود شدیداً به حکومت سوریه و حامیانش حمله کرد. موضعگیری محمد موری برای برگزار کنندگان اجلاس غیر منتظره بود. مقامات رژیم با عجله و ناشیانه دست به سانسور سخنرانی موری زدند. در پخش مستقیم این سخنرانی که از تلویزیون دولتی رژیم پخش و بجای صدای سخنران ترجمه فارسی آن پخش می شد، بخشی از صحبت های موری را حذف کردند و سخنانش در مورد سوریه را نیز به شکلی تغییر دادند که به معنی حمایت از حکومت سوریه تلقی شود. از جمله جمله ای که موری در آن موری شدیداً به حکومت بشار اسد حمله می کند، را به این ترتیب شکل ترجمه کردند که: "ما باید از دولت مردمی سوریه حمایت کنیم!" و در حالی که موری در سخنان خود اسمی از بحرین نبرده بود در چند مورد نام بحرین را قرار دادند. این عمل احمقانه رسوایی بزرگی برای جمهوری اسلامی ببار آورد و بلافاصله موضوع دست انداختن و استهزای رژیم در سراسر جهان شد. دولت مصر بلافاصله به این

رویای شیرین جمهوری اسلامی برای برگزاری اجلاس غیر متعهدا در تهران از همان ساعات اول شروع آن، به کابوس تبدیل شد. هیچ کدام از اهدافی که ماهها برای تحقق آن تلاش کرده بود، برآورده نگردید و ماحصل این اجلاس با صرف بیش از هزار میلیارد تومان، ارائه چهره ای کریه تر، رسوا تر و مفلوک تر از یک رژیم جنایتکار بود.

یک هدف مهم جمهوری اسلامی پیدا کردن راه حلی برای نجات رژیم سوریه بود و در این زمینه بیشترین امید خود را به محمد موری بسته بود. یک هفته قبل از برگزاری اجلاس وزیر امور خارجه مصر در گفتگو با خبرنگاری رویتر اعلام کرد که دولت مصر مذاکراتی با مسئولان ایران، عربستان و ترکیه در مورد سوریه شروع کرده است. او در یک کنفرانس مطبوعاتی در قاهره اعلام کرد که جمهوری اسلامی می تواند در حل بحران سوریه کمک کند. احمدی نژاد به عربستان رفت و ظاهراً تلاش کرد تا با مقامات این کشور در مورد سوریه به سازش هایی دست پیدا کند. سفرهای مقامات جمهوری اسلامی به کشورهای منطقه قبل از برگزاری اجلاس، حمایت روسیه و چین از رژیم بشار اسد و سفر محمد موری به چین قبل از شرکت در اجلاس غیر متعهد ها، این دلخوشی را در جمهوری اسلامی بوجود آورده بود که در کنفرانس به اصطلاح غیر متعهد

جعل و سانسور امری طبیعی و رایج است، اما اقدام جمهوری اسلامی با این زمختی وقاحت بی اندازه جمهوری اسلامی را نشان میداد. میزان شعور دست اندرکاران جمهوری اسلامی به آنها اجازه نمی دهد که تفاوت مجامع بین المللی با نماز جمعه، مجلس روضه خوانی، صدا و سیما رژیم و یا سخن مجلس شورای اسلامی را درک کنند. جمهوری اسلامی بی آبروتر از آن است که افکار عمومی مردم جهان را در نظر داشته باشد. این اقدام از سوی دیگر نشان می دهد که رژیم از طرح هر مسئله ای که موقعیت ضعیف او را در منطقه به مردم ایران نشان دهد، هراسان و وحشت زده است.

تیرهای جمهوری اسلامی برای حل بحران هسته ای رژیم و کاهش فشارهای آمریکا نیز به سنگ خورد. هر چند هیچ کدام از مصوبات این اجلاس ضمانت اجرایی ندارد اما شاید جلب حمایت می توانست فشاری روی دولت آمریکا و متحدان اروپائی آن باشد. نمایش بازدید بعضی از شرکت کنندگان اجلاس از تاسیسات هسته ای، به اندازه کافی مسخره بود که کسی به آن اهمیت ندهد. رژیم در این زمینه هم نتوانست موفقیتی داشته باشد.

جمهوری اسلامی در مورد طرح مسئله فلسطین به دلخواه خود، نیز در این اجلاس شکست خورد. همزمان با دعوت از محمود عباس رئیس دولت خودگردان فلسطین، از اسماعیل هانیه رهبر حماس نیز دعوت شد تا در اجلاس شرکت کند. اما او ترجیح داد که این دعوت را رد کند. اسماعیل هانیه که آینده ای برای جمهوری اسلامی و سوریه نمی بیند، ترجیح داد که خود را در مقابل دولت عربستان و متحدانش قرار ندهد و با طناب جمهوری اسلامی به چاه نرود. بندهای بیانیه پایانی اجلاس در مورد اسرائیل و فلسطین، هیچ پیشرفتی را برای سیاست های جمهوری اسلامی در بر نداشت.

هر روز از برگزاری این اجلاس برای رژیم، سرشکستگی و انزوی بیشتری در برداشت. گنده گویی خامنه ای و سایر مقامات جمهوری اسلامی از سازمان ملل متحد و شرکت در مدیریت جهانی با تشر روسیه و استهزای سایر دولت ها و رسانه ها روبرو شد. پیشنهاد ایجاد نظام بانکی و پولی مشترک برای دولت های "غیر متعهد" مضحک تر از آن بود که کسی آن را جدی بگیرد. این حرف ها برای حکومتی که از حل ابتدائی ترین مشکلات خود عاجز است، خیلی زیاد است. حکومتی که قادر به تامین مدرسه ایمن و وسایل تحصیلی برای کودکان نیست. برای حکومتی که یک ماه بعد از وقوع زلزله نتوانسته است چادر و لوازم اولیه زندگی برای زلزله زدگان تهیه کند و مردم برای نبودن مرغ و تخم مرغ دست به شورش می زنند و ... برای چنین حکومتی طرح چنین ادعاهایی از جزار آور است.

برگزاری اجلاس سران "غیر متعهد" برای جمهوری اسلامی بجز شکست و رسوایی چیزی نداشت. جمهوری اسلامی بیش از ۱۱۰ هزار نفر از نیروهای نظامی خود را برای ایجاد وحشت و ارباب بیشتر در تهران سازماندهی کرد. تمام اوپاش مسلح خود را برای بیرون راندن مردم از شهر بسیج نمود. این عمل هراس جمهوری اسلامی از مردم را به نمایش گذاشت. رژیم بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان هزینه برگزاری این اجلاس نمود. اخبار مربوط به فاجعه زلزله در آذربایجان را سرپوش گذاشت و تمام رسانه های خود را مامور پوشش دادن به تبلیغات این اجلاس کرد. مردم این هزینه های گزاف و فقر و فلاکت خود را به چشم می بینند و واکنش آنها بجز ابراز تنفر و بیزاری بیشتر از حکومت اسلامی چیز دیگری نیست.

آیا ایران سوریه میشود؟

از صفحه ۱

جمهوری اسلامی استاد رژیم بشار اسد در جنایت برای بقا است.

دوم - رژیم اسلامی مثل رژیم اسد و همینطور رژیم قذافی، این ظرفیت را ندارد تا بورژوازی و طبقات حاکم دیکتاتور را از جلوی صحنه کنار بکشند و ماشین دولتی و اساس رژیم را حفظ کنند. (مثل آنچه که در مصر و تونس و یمن برای مهار انقلاب کرده اند). دستکم بخشی از رژیم که هم اکنون قدرت را کاملاً قبضه کرده است، یعنی خامنه ای و اوپاش باقیمانده دور و برش، جایی برای پناه بردن ندارند و احتمالاً مانند اسد و قذافی تا گلوله آخر میجنگند. لذا از یکسو جمهوری اسلامی به انقلاب خون می پاشد و از سوی دیگر ضدانقلاب بورژوازی در ایران به روشی کار خواهد کرد که در لیبی و سوریه عمل کرده و میکند. یعنی از در همراهی با انقلاب و سرنگون کردن رژیم حاضر وارد میشود، در اپوزیسیون "انترناتیو سازی" میکند، دستجات مسلح خود را سازمان میدهد یا حتی دست به دخالت نظامی میزند و میکوشد تا دولت و نظام مطلوب خود را به نام انقلاب و همراهی با مردم سرکار آورد.

سوم - در ایران بدلیل وجود ستم ملی و مذهبی و فعال بودن جریانات ناسیونالیسم قومی و مذهبی (برای مثال ناسیونالیسم کردی، ناسیونالیسم آذری، جریانات اسلامی در بلوچستان و مناطق عرب زبان خوزستان) و همینطور وجود جریانات سناریو سیاهی نظیر مجاهدین خلق این زمینه هست تا قدرت های جهانی و منطقه ای و همینطور دول همسایه ایران به تجهیز مالی، رسانه ای و نظامی اینگونه جریانات بپردازند (که البته هم اکنون هم بدرجات مشغول اند)، تا

شود؟

وجه اشتراك دیدگاهی که پشت سوال "ایران سوریه میشود" با دیدگاه امثال رفسنجانی و دیگر نمایندگان طبقات حاکم وجود دارد این است که در این دیدگاه ها جایی برای مردم و انقلاب و مبارزه شان وجود ندارد. گویی دنیا عرصه نبرد بالایی ها است و پایینی ها همیشه قربانی تصمیمات و دخالت ها و توانی هایی آنها خواهند بود. گویی دنیا را آمریکا و انگلیس و روسیه و اسلامیست ها و ناسیونالیست ها شکل میدهند و مردم و طبقه کارگر کاره ای نیستند و صرفاً زمینه منفعل تحولات اجتماعی اند. سوال کننده ما حتی برای خود نیز نقش فعالی قائل نیست. راستش اصلاً خود را به حساب نمی آورد و وجود ندارد. فی الواقع هم چنین دیدگاهی همیشه قربانی اوضاع، بی تاثیر و محکوم به نق نق های دانی جان ناپلئونی است.

بنا بر این قبل از آنکه به فاکتها و مشاهدات برسیم این نحوه برخورد و روش بررسی سوال کننده ماست که باید تغییر کند تا بتواند همه فاکتها و مشاهدات را ببیند و سرجای درست خود قرار دهد. نیروهای فعاله واقعتاً را بشناسد و خود را دست کم وجهی و بخشی از این نیروی فعاله تعریف کند. از این منظر است که میتوان و باید واقعتاً اساسی دوره کنونی را دید. یعنی اینکه مردم و توده های وسیع برای دخالت مستقیم و انقلابی در اوضاع و گرفتن سرنوشت خود پیا خاسته اند. اینها هم در انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا و هم در جنبش ها و حرکات توده ای ضد سرمایه داری درغرب می بینیم. لذا این نه فقط دوره پایان دادن به رژیم های نوع اسد و مبارک، قذافی و جمهوری اسلامی بلکه همچنین گذاردن نقطه پایانی بر ساختن وضعیت های سناریو سیاهی مبتنی بر استیصال و انفعال مردم است. اکنون دوره سقوط شوروی و فعال مایشائی جریانات ناسیونالیست و جنایت هایشان نیست. دوره نظم

نوین جهانی و حمله به عراق و راه انداختن سناریوی سیاه و بکش بکش قومی و مذهبی نیست. این دوره جنبش التحریر و اشغال وال استریت است. قطعاً همه عناصر دوره قبل یکشبه نابود نشده و میکوشند وضع را به حالت سابق برگردانند. چه در مصر و چه در تونس و چه لیبی و چه در سوریه ما فقط شاهد انقلاب و خیزش مردم نیستیم بلکه شاهد تلاش مضاعف ضد انقلاب بورژوازی (اعم از پروغریبی ها و یا غرب ستیزها، اعم از ژنرال ها یا اسلامی ها، اعم از آنها که با پنبه سر انقلاب را میبرند یا آنها که نسل کشی راه می اندازند) هستیم تا به نحوی موج انقلابات را از سر بگذرانند تا مگر ثبات و آرامش بورژوازی را برگردانند.

در سوریه مشخصاً بر متن انقلاب مردم علیه رژیم حاکم و همراه جنایت های هولناک اسد، شاهد فعال شدن نیروهای سیاه و ارتجاعی نیز هستیم. اما این طور نیست که در سوریه مردم مستاصل و درمانده اند. فاکتور تعیین کننده در سوریه انقلاب و مبارزه قهرمانانه مردم برای سرنگونی دولت جنایتکار اسد است نه ابتکار و تلاش نیروهای ارتجاعی و سناریوسیاهی. خون پاشیدن به انقلاب و جنایات بی حد و حصر اسد و میداننداری جریانات ارتجاعی همه برای مقابله با انقلاب و دخالتگری انقلابی مردم سوریه در اوضاع است. انقلاب در سوریه برای پیروزی بدون شك باید ضعف هایش را مرتفع کند، رهبری رادیکال و انقلابی خود را شکل دهد و تامین کند. باید قویتر، منسجم تر و متعین تر شود و باید هم رژیم سفاک سوریه را پایین بکشد و هم نیروهای سیاه و ارتجاعی را کنار بزند و به حاکمیت مستقیم مردم برای تحقق آزادی و نان و کرامت منجر شود. طبعاً هنوز راه درازی در این مسیر پیش است. اما نکته مهم این است که این جوهر و عنصر فعاله تغییر واقعتاً، یعنی انقلاب و تلاش توده های میلیونی را ببینیم و با تمام قوا آن را تقویت کنیم و بکوشیم تا

آسانتر و کم هزینه تر راهش را بسوی پیروزی باز کند. سوال "آیا ایران سوریه میشود" فاقد چنین نگاه و ارزیابی در قبال انقلاب سوریه است و دقیقاً همین نوع نگاه را هم میخواید به اوضاع ایران انطباق دهد. حال آنکه اگر ماهیت و جوهر اوضاع سوریه و انقلاب و دخالتگری بی مانند مردم را ببینیم و با این متد به اوضاع ایران بنگریم آنگاه بجز مشاهداتی که در بالا اشاره شد جوانب اساسی تری را خواهیم دید.

تفاوت های اوضاع ایران و سوریه چه در رابطه با موقعیت حکومت و چه در رابطه با مردم و ساختار سیاسی و اجتماعی بسیار است. برای مثال دولت جمهوری اسلامی بر خلاف دولت اسد ریشه های قومی - قبیله ای و مذهبی ندارد. حکومتی است بشدت مورد نفرت و انزجار تمامی بخش های جمعیت که صرفاً بر دستجات مسلح و مزدور و سانددیس خور متکی است. در يك رویارویی وسیع و انقلابی مردم با جمهوری اسلامی حتی بیش از این ریزش میکنند. حتی بدنه سپاه و ارتش سرعت از این رژیم رو برمیگرداند... اما مهمترین فاکتوری که اوضاع ایران را از سوریه (و حتی از مصر و تونس و غیره) متمایز میکند سطح تکامل سیاسی و اجتماعی در ایران است. جامعه ایران بدلائل متفاوت تاریخی و بویژه تحت تاثیر انقلاب ۵۷ که علیرغم شکست اش بدلیل نقش فعال طبقه کارگر در آن به شکل گیری جریان اجتماعی چپ، رادیکال و عمیقاً انسانی میدان داد و همچنین تحت تاثیر مبارزه سی و چند ساله مردم با رژیم اسلامی که سرشار از تجارب بسیار غنی بوده است، از لحاظ تحزب یافتگی، روشن بودن خواسته ها و مطالبات مردم، سطح توقعات، فرهنگ مبارزه سیاسی و اجتماعی بسیار پیشرفته است. برای مثال کافی است برخورد مردم ایران با مجازات اعدام (که الغاء آن اکنون يك خواست توده

آیا ایران سوریه میشود؟

از صفحه ۱۲

دارد و شدید و رادیکال خواهد بود.

حضور يك جریان چپ اجتماعی

قدرتمند که برنامه و پلاتفرم روشن و

ادبیات قوی و کار شده و بدرجات

اشاعه داده شده ای دارد و احزابی

نظیر حزب ما را شکل داده و

محافل، شبکه ها، ارگانها و ابزارها

و فعالین و کارزارها و سنت های

عملی خود را دارد، البته تمام

واقعیات جامعه ایران نیست. جنبش

های دست راستی، انواع

ناسیونالیست ها، جریانات ارتجاعی

و سناریو سیاهی هم در ایران هستند

که بشدت مشغولند و قطعا در هر

تحول اجتماعی فعال خواهند شد و

کوشش خواهند کرد مهر سیاه خود

را بر اوضاع بکوبند. اما اولاً تحت

تاثیر وجود يك جریان چپ اجتماعی

قدرتمند در ایران جریانات راست کار

دشواری برای قالب کردن شعارها و

آرمانهای خود دارند. تا اینجا این

جنبش ها و جریانات راست هستند

که برای جلب حمایت مردم مجبورند

از شعارهای خود کوتاه بیایند، نیات

خود را پنهان کنند و به خود رنگ و

لعباب "سکولار" و ترقیخواه بدهند.

(این شامل همه نیروهای سیاسی

راست از سلطنت طلب تا اصلاح

طلب و غیره میشود. آخرین نمونه

در این مورد بیانییه اخیر

ناسیونالیست های کرد بود که در

شماره قبل این نشریه حمید تقوایی

مشروحا به آن پرداخته است.) ثانيا

وجود يك جریان قوی اجتماعی چپ

امکان میدهد که بویژه در يك

اوضاع و احوال انقلابی مردم را

بصورت يك قدرت سیاسی (و طبعا

در صورت لزوم نظامی) متشکل و

متحد کرد و جلوی هرگونه تلاش

های راست و ارتجاعی و سناریو

سیاهی برای ناکام گذاشتن مبارزه

مردم و یا پرهزینه کردن پیروزی آنها

را گرفت.

تا آنجا که به سوریه برمیگردد

دقیقا فقدان يك جریان چپ و

رادیکال قوی و متشکل عامل

اصلی میدان یافتن جریانات راست و

ارتجاعی در جریان انقلاب سوریه

است. در ایران نه فقط اوضاع مثل

سوریه نمی شود بلکه این شانس

کاملا وجود دارد تلاش و آرزوی

مردم برای رهایی از شر رژیم

اسلامی و برقراری يك حکومت و

جامعه انسانی، آزاد و برابر متحقق

گردد. در نتیجه نه فقط هر تلاشی

که بخواهد اوضاع را "سوریه ای"

کند کنار زده می شود، بلکه الگویی

برای پیروزی انقلاب و ساختن

جامعه ای انسانی به مردم سوریه و

مصر و به همه دنیا ارائه می شود.

طبعا این امر تضمین شده ای

نیست. در گرو مبارزه و تلاشی

خستگی ناپذیر و عظیم است. اما

نکنه تعیین کننده این است که نمی

توان در مقام ناظر و مفسر ظاهر شد

و تازه در این مقام هم مردم را عاجز

و بدبخت دید و دنیا را جولانگاه

بالایی ها و سناریوهای سیاه و ضد

انقلابی شان فرض کرد. از يك

موضع فعال و واقع بینانه میتوان در

دوره ای که ما در آن هستیم سوالات

دیگری طرح کرد: آیا انقلاب در ایران

نمی تواند آرزوهای انقلابیون التحریر

برای نان و کرامت را تا به آخر

متحقق کند؟ آیا انقلاب مردم ایران

علیه جمهوری اسلامی نمی تواند

شعارها و آرزوهای جنبش ۹۹

درصدی ها علیه يك درصدی ها را

عملی کند و حاکمیت مستقیم

مجامع عمومی و شوراهای

شهروندان یعنی دولت نوع کمون را

متحقق کند؟... این شانس وجود

دارد. شرط آن این است که اولاً

سوالهای درست طرح کنیم و ثانيا با

تمام قوا سعی کنیم جواب عملی به

آنها بدهیم. بیان حقیقت کافی

نیست، باید آثرا متحقق و جاری و به

واقعیات تبدیل کرد. حزب ما برای

همین درست شده است. *

(۵ سپتامبر ۲۰۱۲)

شکستی دیگر، افتضاحی بیشتر

از صفحه ۱۱

يك شکست بزرگ برای جمهوری

اسلامی بود. رژیمي که موارد

بیشمار مورد قتل، ترور، شکنجه،

آزار و غارتگری مردم را در پرونده

خود دارد، با برگزاری این اجلاس

نه تنها نتوانست حتی برای لحظه

ای این جنایات را از نظر ها

بپوشاند بلکه رسواتر و بی آبرو تر

شد. این شکستی برای خامنه ای،

احمدی نژاد و تمام نظام اسلامی

است. از سوی دیگر برگزاری

اجلاس غیر متعهدها در بزرگترین

مرکز حکومت وحشی ترین

باند های مافیائی بجز بی اعتباری

بیشتر این نهاد شمره دیگری

نداشت. پس از اجلاس تهران

ریاست دوره ای آن به عهده يك تیر

خلاص زن گذاشته شده است که

رسما هولوکاست را انکار می کند

و در سازماندهی بزرگترین

غارتگری ها و جنایات تاریخ

معاصر جهان شرکت مستقیم

داشته است. با این وصف آیا می

توان برای نهاد و یا جنبش "غیر

متعهد" ارزش و اعتباری قائل

شد؟*

در طول برگزاری اجلاس

بیشترین تحقیرها متوجه خامنه

ای بود. بان کی مون به ولی فقیه

در زمینه های مختلف انتقاد کرد

و حملات محمد موری به سوریه

درست بعد از صحبت خامنه ای و

مانند پاسخی به او انجام شد.

محمد موری حاضر به ملاقات

خامنه ای نشد و "نایب بر حق امام

زمان" را بیشتر مورد تحقیر قرار

داد. تلاش رژیم برای نشان دادن

يك چهره یکپارچه و منسجم هم

شکست خورد. احمدی نژاد و باند

او ماهرانه سعی کردند برگزاری این

اجلاس و افتضاحات آن را به گردن

جناح خامنه ای بیندازند. حتی

محمد باقر قالیباف شهردار تهران

که می بایست بعنوان میزبان در

این "اجلاس مهم" شرکت داشته

باشد، به ایتالیا رفت و سعی کرد

خود را از افتضاحات اجلاس دور

نگاه دارد. و روز بعد از تمام شدن

اجلاس جنجال و دعوای درون

رژیم دوباره بالا گرفت.

برگزاری اجلاس غیر متعهدها



اساس سوسیالیسم انسان است!

اسرائیل و احتمال جنگ

از صفحه ۲

مطمئن هستند حمله نظامی در دستور نیست. چون در این تردیدی نیست که اگر دولت آمریکا روی خط حمله و یک اقدام نظامی بود بهیچوجه توافق بقیه را برای تحریمهای اقتصادی نمیتوانست جلب کند. تحریمهای اقتصادی بعنوان آلتزاتیو حمله نظامی - البته فعلا و در شرایط حاضر - مود توافق قرار گرفته است و نه بعنوان مقدمه حمله نظامی. به نظر من این واقعیت امروز دنیا است و من فکر میکنم در شرایط امروز احتمال حمله نظامی از جانب آمریکا - رئیس جمهور هر که باشد - بسیار کمتر از امکان حمله نظامی در دوره بوش هست. همانطور که گفتم در این چارچوب اسرائیل هم دست و پایش کاملا بسته است و جای مانور زیادی ندارد. گلشن حیدری: اگر خطر حمله

نظامی لاقلا در این شرایط جدی نیست چرا حزب کمونیست کارگری با چنین حساسیت بالائی به این موضوع می پردازد؟

حمید تقوایی: موضوع ما در مورد حمله نظامی و جنگ مستقل از اینست که امکان و احتمال جنگ چقدر است. در هر حال نفس اینکه از جنگ صحبت میشود، نفس اینکه دولت اسرائیل و یا هر از چند گاهی مقامات غربی مساله عملیات نظامی را مطرح میکنند و تا وقتی که این نوع تبلیغات و تهدیدات و فضای جنگی هست، وظیفه ما و فکر میکنم وظیفه هر حزب چپ و مترقی و آزادیخواه و رادیکالی این است که این تهدیدات و تبلیغات را خنثی کند. از این نقطه نظر میزان احتمال جنگ اهمیت زیادی ندارد بلکه مهم این است که این احتمال در هر حال وجود دارد و مقامات و دولتها و احزابی وجود دارند که در جهت منافع و اهداف سیاسی شان بر

طبل جنگ میکوبند و به یک فضای سیاسی جنگی دامن میزنند. باید در مقابل این تهدیدات و تبلیغات جنگی باستیم و آنرا خنثی کنیم. حمله نظامی به ایران هم از نظر انسانی و هم از لحاظ سیاسی یک فاجعه خواهد بود. این را همه نیروهای چپ و آزادیخواه میدانند و همه وظیفه دارند که جلو این فاجعه را بگیرند. حتی اگر یک درصد امکان حمله نظامی باشد باید با تمام قوا در مقابل آن ایستاد چون بی شک توده مردم قربانیان چنین جنایتی خواهند بود. اینکه تحلیل و ارزیابی ما از اوضاع چیست و چه سیری را محتمل میدانند نباید موجب بشود که ما مساله جنگ و حمله نظامی را که هر از چند گاهی مطرح و به گفتمان تبدیل میشود، دست کم بگیریم. در هر حال حزب ما وظیفه خود میدانند که در هر شرایطی فعالانه با سیاستها و تهدیدات جنگی مقابله کند.*

۵ سپتامبر ۱۲

معلمان علیه فقر و گرانی

از صفحه ۶

کنند که اجازه نمیدهیم هیچ کودکی از تحصیل خارج بماند و باید همه این کودکان به کلاس درس بروند. اینها همه گامهایی فوری برای تحمیل خواستهای فوری ما مردم است. ۱۸ شهریور و تا فرصتی که تا اول مهر داریم فرصتی خوبی برای گرد آمدن حول خواستهایمان و تحمیل آن بر جانیان اسلامی است. خبر فراخوان معلمان به اعتراض علیه فقر و گرانی را همه جا منتشر کنیم. دانش آموزان و خانواده های آنان همانطور که همچون دوره های قبلی اعتراضات معلمان، امروز نیز نقش مهم در انجام این کار دارند. جوانان و دانشجویان میتوانند از طریق فیس بوك و اس ام اس این خبر را هم جا وسیعا انعکاس دهند. پخش وسیع این خبر در همه جا بخشی از تلاش ما برای جمع آوری نیرو و گسترش این اعتراضات است.

با میلیاردها پولی که این رژیم صرف نمایشاتی چون کنفرانس غیر متعهدها و غیره کرده است، با میلیاردها پولی که در طول حاکمیت این رژیم از ثروت نفت نصیب این حکومت شده است، با میلیاردها پولی که کمک به دولت بشار اسد و تروریستهای اسلامی شده و میشود و با میلیاردها پولی که سران فاسد جمهوری اسلامی به جیب زده اند و به حسابهای بانکی خود در مناطق مختلف دنیا سرازیر کرده اند، میشود آموزش و پرورش را رایگان کرد. میتوان بهترین جامعه را بنا کرد. باید بساط این حکومت توحش و جنایت را جارو کرد.*

وضعیت فعلی رژیم، وضعیت جنگ جبهه ای تمام عیار بر علیه مخالفان و مردم می باشد. حکومت فقط بر دمشق تسلط دارد. جنگ های سراسری برای تعیین تکلیف نهایی مخالفان با رژیم اسد وارد مراحل نهایی خود میشود. با حمایتهای جمهوری اسلامی و روسیه رژیم اسد توانسته است تا به امروز سرپا بماند. با این همه خود حامیان رژیم اسد نیز روز بروز امید خود را برای سر کار ماندن دیکتاتور از دست میدهند. فروپاشی رژیم اسد مدتهاست شروع شده است، حکومتی و دولتی در کار نیست. کل رژیم و دم و دستگاه سرکوبگرش، برای سرپا ماندن حکومتشان وارد جنگ بر علیه مردم و مخالفان شده اند. این جنگ هر چند ماه دیگر که ادامه یابد ولی نتیجه آن پایان کار رژیم بشار اسد خواهد بود. عمر رژیم اسد بسر آمده است.*

وضعیت زلزله زدگان آذربایجان اضطراری و خطرناک است. آنها نیاز به مسکن، درمان، امکانات زیستی و مدرسه برای آموزش فرزندان شان دارند. این مردم خسارت دیده اند و باید همه اینها به رایگان در اختیارشان قرار گیرد.

معلمان زندانی باید آزاد شود. احضارها باید متوقف شود. معلمان تبعیدی به محل زندگی خود بازگردند و معلمان اخراجی دوباره به کار گرفته شوند.

تبعیض جنسیتی در مدارس و محیط های آموزشی باید لغو و متوقف شود.

اینها خواستهای فوری و همین امروز معلمان است. باید وسیعا از این خواستها حمایت کرد.

فراخوان معلمان به اعتراض علیه فقر و گرانی در عین حال بهترین فرصت برای طرح خواستها و مطالبات ما مردم است. از جمله خواستهای زیر را میشود بر لیست فوق اضافه کرد:

- تحصیل باید رایگان باشد و گرفتن شهریه از دانش آموزان به هر شکل و تحت هر عنوان ممنوع شود. همراه با معلمان در مقابل مراکز آموزش و پرورش جمع شویم و خواهان یک آموزش رایگان و انسانی شویم. اعلام کنیم که به این گرانی تن نمیدهیم. وسایل تحصیل باید به رایگان در اختیار کودکان ما قرار گیرد.

- جای کودکان ما در مدرسه است و اول مهر مردم هر محل میتوانند با کودکان خود در مقابل مدارس محل جمع شوند و اعلام

سوریه در هفته ای که گذشت!

از صفحه ۴

دیپلماتیک کشورهای عربی و اپوزیسیون و مخالفان رژیم اسد، و اینکه به توافقات و زد و بندهایی خواهند رسید، کشتار مخالفان و مردم توسط رژیم اسد ادامه دارد. بربریت و وحشیگری رژیم اسد در سرکوب مخالفان، ابعاد اعدام ها و کشتارهای هزاران نفری، به مراتب بیشتر از آمارهای داده شده می باشد. در این میان اخبار و گزارشاتی از کشتار و بخشا اعدام های دسته جمعی توسط مخالفان اسد نیز منتشر شده است. در همین رابطه سازمان های حقوق بشری و بخشی از دولت های غربی ضمن محکوم کردن این سیاست مخالفان اسد، از مخالفان خواسته اند که دست به اقدامات تلافی جویانه و انتقام گیری نزنند. رژیم اسد و دم و دستگاه دولتی بطور واقع از هم پاشیده شده است.

در داخل سوریه، نظیر "کمپته های هماهنگی انقلاب سوریه" و بخش هایی از "ارتش آزاد سوریه"، نظر مثبت نشان داده اند. در همین حال احزاب منطقه کردستان سوریه هم ظاهرا به توافق عمومی برای شرکت در گفتگوهای اپوزیسیون رسیده و قرار است هیات هایی را برای هماهنگی های بیشتر گروههای اپوزیسیون برای تشکیل دولت در تبعید، به مذاکرات آتی اعزام دارند. بنابر اظهارات مخالفان رژیم سوریه و بخشا تائید دیپلماتهای غربی و اروپایی، تلاش ها برای سرو سامان دادن به "وحدت نیروهای اپوزیسیون" در مقایسه با چند ماه پیش، پیشرفتهای "خوبی" داشته است. صرف نظر از تفرقه های

International Committee Against Stoning

<http://stopstoningnow.com>

International Committee Against Execution

<http://notonemoreexecution.org>

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com

0049-177-569-2413

کارگران پتروشیمی ماهشهر سرانجام خواست خود را به کرسی نشاندند و شرکت های پیمانکاری را برچیدند

اعتصابات و اعتراضات کارگران پتروشیمی های ماهشهر که از اسفند سال ۸۹ شروع شده بود سرانجام به پیروزی رسید. این موفقیت شامل حال نه تنها هزاران کارگر پتروشیمی های ماهشهر بلکه همچنین شامل صنایع نفت و پتروشیمی نیز میشود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران که این خبر را منتشر کرده میگوید: "روند حذف شرکتهای پیمانکاری در صنایع نفت و پتروشیمی به سرانجام رسید و انعقاد قرارداد مستقیم با هزاران کارگر پیمانکاری در این صنایع به اجرا در آمد. وزارت نفت در تاریخ ۱۰ خرداد امسال در

بخشنامه ای مبنی بر انعقاد قرارداد مستقیم با کلیه کارکنان و کارگران پیمانکاری در تمامی سطوح و سوابق کاری، روند تن دادن به خواست کارگران را آغاز کرد. با صدور این بخشنامه، اجرایی شدن انعقاد قرارداد مستقیم با دهها هزار کارگر پیمانکاری صنایع نفت و پتروشیمی از اوایل تیرماه سال جاری آغاز شد. در حال حاضر هزاران کارگر در این صنایع در استخدام مستقیم وزارت نفت و صنعت پتروشیمی قرار گرفته اند. شرکتهای پیمانکاری در صنایع پتروشیمی دولتی در منطقه ماهشهر عملاً برچیده شده و کارگران سایر سطوح این شرکتها نیز که انعقاد قرارداد مستقیم با

آنان به اجرا در نیامده است بدون حضور پیمانکار در سمتهای خود مشغول بکار هستند و روند اجرایی شدن انعقاد قرارداد مستقیم با آنان در حال انجام است. دستاورد پیروزی قاطعانه کارگران صنایع پتروشیمی ماهشهر، امروز شامل حال دهها هزار کارگر پیمانکاری این صنعت و وزارت نفت در سراسر کشور شده است."

حزب کمونیست کارگری این موفقیت را به کارگران پتروشیمی های ماهشهر، به دهها هزار کارگر صنعت نفت و وزارت نفت و همچنین به کلیه کارگران در سراسر کشور تبریک میگوید و اینرا موفقیتی برای کلیه مردم شریف و آزاده در مقابل جمهوری

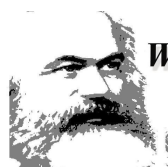
اسلامی و اقلیت سرمایه دار میدانند. این حاصل مبارزات متحد و یکپارچه ده هزار کارگر کارخانه های پتروشیمی های ماهشهر در یک سال و نیم گذشته است. کارگران بارها دست به اعتصابات متحد و طولانی مدت زدند، فریب وعده های توخالی مقامات را نخوردند، جلو تفرقه در صفوف خود را گرفتند، مجمع عمومی تشکیل دادند و دسته جمعی تصمیم گرفتند، نمایندگان کارگران نتایج مذاکرات را به اطلاع کارگران رساندند و نظر کارگران را در تصمیم گیری ها مبنای مذاکره قرار دادند. این موفقیت را بویژه به نمایندگان کارگران در پتروشیمی های ماهشهر صمیمانه تبریک میگوئیم.

با این موفقیت دهها هزار کارگر صنعت نفت در موقعیتی بسیاری مساعدتر برای پیشبرد کلیه خواست های خود قرار گرفتند. با برچیده شدن بساط پیمانکاران، دهها هزار کارگری که طرف حساب پیمانکاران مختلف بودند اکنون بیشتر زیر یک سقف قرار میگیرند و با سهولت بیشتری میتوانند متحد و یکپارچه دست به اعتراض

بزنند. خواست برچیدن بساط پیمانکاران از کلیه مراکز کاری و عقد قرارداد مستقیم خواست میلیون ها نفر از کارگران، معلمان، پرستاران و کارمندان زحمتکش است. موفقیت کارگران پتروشیمی های ماهشهر نشان داد که با مبارزه متحد و یکپارچه میتوان رژیم را عقب راند و خواست خود را به کرسی نشاند. حزب کلیه کارگران، معلمان و بقیه زحمتکشانی را که در حال حاضر در استخدام پیمانکاران هستند فرامیخواند که مبارزه کارگران پتروشیمی ها را سرمشق خود قرار دهند و با خواست برچیدن بساط پیمانکاران و عقد قرارداد مستقیم با کارفرمایان و دولت، مبارزات و اعتصابات جمعی و متحدانه خود را شروع کنند. پیروزی کارگران نفت کل طبقه کارگر را در موقعیت بر مراتب بهتری برای مبارزه حول خواست های خود قرار داده است.

زنده باد مبارزات متحدانه کارگران پتروشیمی های ماهشهر

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ شهریور ۱۳۹۱



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجالبی بدل میشود!

اعتراض صدها کارگر پالایشگاه آبادان ادامه دارد

در گزارش قبل به اطلاع رساندیم که بدنبال اعتراضات و موفقیت های کارگران پتروشیمی های ماهشهر، تحرك جدیدی در میان کارگران قراردادی پالایشگاه آبادان شروع شده است. طبق گزارش تازه ای که به ما رسیده است، ۲۲۷ کارگر بخش خدمات پالایشگاه همچنان در بلاتکلیفی و اعتراض و اعتصاب بسر میبرند. حقوق پنج ماه آنان توسط پیمانکار قبلی پرداخت نشده و وضع استخدامشان هنوز روشن نیست. به همین دلیل اعتراض آنها همچنان ادامه دارد. روز سه شنبه

۷ شهریور ۱۲۰ نفر از آنها در دفتر مرکزی پالایشگاه تجمع کردند و خواهان عقد قرارداد مستقیم با وزارت نفت شدند. یکی از مسئولین پالایشگاه به میان کارگران آمد و قول داد به خواست آنها رسیدگی شود. کارگران همچنان در اعتصاب هستند. روز سه شنبه ۷ شهریور همچنین ۲۰۰ نفر از کارگران اخراجی پالایشگاه و عده ای از جوانان جویای کار مقابل درب پالایشگاه جمع شدند و مانع عبور و ورود اتومبیل ها شدند. مزدوران حراست و بدنبال آن نیروی انتظامی

وارد عمل شد و حدود ۱۰ نفر از کارگران را با خود بردند که بعد از گرفتن تعهد آزاد کردند. حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارگران بخش های مختلف پالایشگاه قاطعانه دفاع میکند و کلیه کارگران و کارکنان پالایشگاه را به همبستگی و حمایت از کارگران اعتصابی فرامیخواند. دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً پرداخت شود و با آنها قرارداد مستقیم منعقد شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ شهریور ۱۳۹۱
۱ سپتامبر ۲۰۱۲

زنده باد سوسیالیسم!

متن سخنرانی مینا احدی در مراسم یادبود جانباختگان شهریور ۶۷ در مرکز شهر کلن آلمان



در يك دادگاه بين المللی محاکمه شدند. هدف نه اعدام کسی است نه انتقام گرفتن، بلکه دنیا باید از جنایات يك جنایت بزرگ با اتکا به قرآن و الله اکبر مطلع شود و جامعه باید با دقت کردن و بررسی کامل این جنایت، برای همیشه درمقابل این نوع جنایات واکنش پیدا کند. زنده باد جنبش مردم ایران بر علیه حکومت اسلامی

رودخانه را این سپرده و اعلام کنیم که خاطره و یاد همه اعدام شدگان در قلبهای ما است. همه این عزیزان در راه آزادی و حرمت انسانی تلاش کرده و به دست يك حکومت دیکتاتور به قتل رسیدید. اما مبارزه در ایران با قدرت و صلابت ادامه دارد و دور نیست روزی که این حکومت به همت مردم سرنگون شود و سران این حکومت

نمانده است. فاجعه هولناک قتل عام هزاران زندانی سیاسی در شهریور شصت، واقعه ای است که باید در مورد آن حرف زد، با قربانیانی که جان سالم به در بردند، با ناظرین این واقعه و همچنین با بازماندگان و اقوام این جانباختگان. ما باید با صدای بلند در دنیا اعلام کنیم که حکومت اسلامی ایران ۲۴ سال قبل وحشیانه و سبعانه هزاران نفر فعال سیاسی و منتقد حکومتی را کشت و حتی امروز نیز به خانواده های آنها اجازه نمیدهد در گورستان خاوران که محل دفن تعداد زیادی از آنها است تجمع کنند.

ما باید اعلام کنیم که همه سران حکومت اسلامی از خمینی که مستقیماً دستور قتل داد، تا کمیسیون مرگ حکومت اسلامی که با يك سوال و جواب دستور اعدام میداد، تا همه سازندگان سپاه پاسداران و سازمان اطلاعات حکومت اسلامی تا وزرا و نمایندگان مجلس حکومت اسلامی تا نخست وزیر و رئیس جمهورش همه در این جنایات هولناک سهیم و شریک اند. ما باید با صدای بلند اعلام کنیم اگر عدالتی هست باید این باشد که همه آمرین و عاملین این جنایت محاکمه شوند. دنیا باید از جزئیات این "جنایت مقدس" که حکومت اسلامی سازمان داد مطلع شود. همه باید بدانند که اینها با تکیه به اسلام و قرآن کشتند و سپس دستهای خونین خود را شسته و بدون عذاب وجدان زندگی اشان را ادامه دادند.

امروز در اینجا تجمع کرده ایم تا اعلام کنیم که هیچ جنایتی از این نوع در تاریخ فراموش نشده و هیچ دیکتاتور و جلادی تا ابد

اجازه دهید به مادران و پدرانی درود بفرستیم که شبانگاه پاسداران حکومت اسلامی به خانه هایشان ریخته و عزیزان آنها را از رختخواب بیرون کشیده و به زندان بردند و بعد از کشتن فرزندانشان حتی جای دفن شدن آنها را نیز به والدینشان نشان نداده اند. مادرانی که با بو کردن خاکها در گورستان خاوران بدنبال یادی و نشانه ای و علامتی از عزیزترین کسان زندگیشان بودند. اجازه دهید درود بفرستیم به همسران و خواهران و برادرانی که عزیزان خود را از دست داده و هنوز هم نمیدانند که آرامگاه آنها کجاست، درود به پسران و دختران ۱۳ یا ۱۴ ساله ای که به دست جلادان يك حکومت فاشیست اسلامی اعدام شدند. این حکومتی بود که به کودک و پیر و جوان رحم نمیکرد. این حکومتی است که بچه ای را اعدام کرد که از ترس در بغل یکی از کسانی قایم شده بود که در صف اعدام ایستاده بودند و این بزرگسال که آزمون ۲۳ سال داشت به بچه ۱۳ ساله میگفت نترس من اینجا هستم و بعد از اعدام او، همین کودک را نیز اعدام کردند. اینها خاطراتی است که از زندان به بیرون آمده و اینها اسناد يك واقعه تاریخی به اسم هولوکاست اسلامی است که در فاصله بین سالهای ۶۰ تا ۶۷ در ایران اتفاق افتاده است. این حکومت حتی به زنان حامله رحم نکرد و آنها را به جوخه اعدام سپرد.

امروز ما در اینجا تجمع کرده ایم تا اعلام کنیم که هیچ جنایتی از این نوع در تاریخ فراموش نشده و هیچ دیکتاتور و جلادی تا ابد

روز شنبه اول ماه سپتامبر به دعوت کانون زندانیان ایران- کلن و با حمایت سازمانهای متعدد از این حرکت و فراخوان کمیته بین المللی علیه اعدام، تعداد زیادی از ایرانیان در مرکز شهر کلن و در مقابل در اصلی ایستگاه مرکزی قطار حضور بهم رسانده و یاد این عزیزان را گرامی داشتند. حاضرین در صفهای مجزا ایستاده و به نحو سمبلیک صف اعدامیهای شهریور ۶۷ را تشکیل داده بودند. در طول این برنامه که حدود سه ساعت ادامه داشت سخنرانان به زبانهای فارسی و آلمانی در مورد این جنایت وحشتناک حکومت اسلامی در مورد قتل عام هزاران نفر در زندانهای حکومت اسلامی ایران و در مورد تشکیل کمیسیون مرگ از سوی خمینی و اعوان انصارحکومتی حرف زده و اعلام کردند که نه می بخشیم و نه فراموش میکنیم.

حاضرین در این برنامه سپس بطرف رودخانه را این راهپیمایی کردند. آنها در يك دست شاخه گل رز و در دست دیگر عکس یکی از اعدام شدگان را داشتند. بعد از سخنرانی چند نفر در مقابل رودخانه را این و از جمله سخنرانی مینا احدی گلها را به رودخانه را این پرتاب کردند. در اینجا متن سخنرانی مینا احدی ملاحظه میکنید:

اجازه دهید از سوی شما عزیزی که در این برنامه حضور دارید، صمیمانه ترین همدردی و همبستگی خودمان را با خانواده های اعدام شدگان در دهه شصت و با خانواده هزاران نفر اعدامی در شهریور ۶۷ در ایران اعلام کنم.

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!